

جنبش ضد رادرسنی ساهان در آمریکا و نیام زحمکسان و
 داسحوان انقلابی در کره جنوبی علیه امپریالیسم
 آمریکا و مردوران داخلی اثر رارج سکا ریم و در سمعی
 و کسر - هر چند سمر ما رزات دمکراتیک و صدا میرا لسنی
 جنبشی ایران و سامن رهبری طیفه کارگر بر آن که جزئی
 از سکا رهناس جنبشها علیه امپریالیسم است بگویم !

پیکار خلق کرد در هفته گذشته

مکالمات فرماندهان نظامی بازپرستان: اسناد زنده، از کردستان



صفحه ۶

● اومخوا هدا مداری و کاورری و سولندکدا ما نه تحت ستم طبقانی و ملی ، بلکه در کردستان خود مختار رود جا روجو ایرانی آزاد و مستقل.

آخرین گام برای «تثبیت قانونی»

جمهوری اسلامی

● نگاهی به برخورد توده ها به جریان انتخابات و ترکیب طبقاتی و جناح های کوناگون مجلس شورای ملی

تشکیل مجلس شورای ملی آخر گام برای تثبیت قانونی جمهوری اسلامی ایران است هر چند که این گامها تا کنون کمترین نتایج است نه تصادفات داخلی هیئت حاکمه ، مدرسه های جداگانه درون آن ، فروسنایدن جنبش توده های و خاتمه دهد . مجلس شورای ملی سربا وجود فراکسیون اکثریت حزب جمهوری اسلامی در مقابل بسی صدر ، در آئینده صحنه دیگری از جدال این نیروهای ارجاعی خواهد بود . در رابطه با مجلس کنونی مسائل زیر قابل طرح است :

۱- نگاهی به ترکیب طبقاتی این مجلس که از روحانیون و اسبده حزب جمهوری اسلامی و نمایندگان ریس داران و سرما به داران و تجار و قشر مرفه خرد سوزواری سنی و ... تشکیل شده است ، بسیار دیگر س حقیقت را نشان میدهد ، که تحت حاکمیت طبقاتی است و رگرم سوز مجلس قانونگذاری که در آن نه نمایندگان سرما به داران و ریس داران بلکه نمایندگان واقعی کارگران و دهقانان و دیگران است و زحمکسان و خلقی مجلس را در دست داشته اند بوج و دهنی است ، اس حقیقتی است که کمونیستها آن را در پرتو آموزشهای مارکسیسم - لنینیسم ، که بدرستی ما هیت با رلمانهای سوزواری را بر مسلا و افشا میسازد ، سبک میداند و آن را تبلیغ و ترویج بقیه در صفحه ۲

جنبش سیاهان آمریکا: در کره جنوبی هم زمین انفجار در قلب امپریالیسم زپروای آمریکا میلرز

صفحه ۱۲

صفحه ۱۶

در این شماره:

- گزارشی از میتینگ روز دوشنبه ۵۹/۲/۲۲ صفحه ۱۱
- بیروزی سوسیالیسم برفاشیسم (۲) صفحه ۸
- رفیق محمد یزدانیان هنوز در اسارت بسر میبرد صفحه ۱۶
- رژیم جمهوری اسلامی و جنبش دهقانی صفحه ۱۰
- سازمان مجاهدین خلق و جنبش کردستان (۲) صفحه ۹



دیگر سوزنیزه های امپریالیسم نیز نمیتواند آتش مبارزات ساهان آمریکا را خاموش کند

تجاری از مبارزات کارگران کارخانه نخ زرین

صفحه ۳

مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

آخرین...

می نماند. و توده ها نیز تحت تا شریمین آموزشها و با انکاء برتجا رب خود از چگونگی و کم و کیف این گونه ها رلما آنها و در جریان زندگی خود به همین حقیقت میسرند. اگر به سیر همین انتخابات مجلس شورا بملی توجه کنیم می بینیم که توده ها تا حد معینی توانسته اند این موضوع را درک نمایند.

وقتی مردم ما میدیدند که حزب جمهوری اسلامی برای داشتن موقعیت برتر در مجلس شورای ملی مسئله دو مرحله ای شدن انتخابات را پیش کشید و آیت الله خمینی نیز با سکوت خود اذیترا نشاید کرد. وقتی انتخابات کردستان (در مرحله اول) در میان طغسی نظیر سرفروستند که احتمال انتخاب نمایندگان انقلابی وجود داشت به آنها آرا می منطقه بیضا - پیش لنگر گردید (در حالیکه در آن زمان منطقه کلا آرا بود) وقتی رژیم از پذیرش نتایج انتخابات در مهاباد که با نظارت ما مورین خودش صورت گرفته است سر برآمی زند. وقتی بطور غیر رسمی از زبان امثال خلغالی ها آترا لنگر شده میداند، وقتی وزارت کتور که تحت نفوذ حزب جمهوری اسلامی است از اعلام نتایج انتخابات مجلس سلیمان (در دوردوم) که در آنجا نماینده مجاهدین اکثریت آرا را بدست آورده است، خودداری می نماید، و زمانی که انتخابات دوردوم کرمانشا به این دلیل که نماینده سا زمان مجاهدین خلق به دوردوم راه یافته بتوق انداخته میشود، اینها همه توده ها را به این نتیجه میرساند که رژیم حاکم و احزاب و نیروها شی که قدرت دولتی را در نظام سرمایه داری وابسته بران در دست دارند چگونه از موقعیت خود برای ایجاد مجلس با ب میثان استفاده می نمایند و تمامی امکانات تبلیغی نظیر زادیون و تبلیغیون و مطبوعات وابسته را بطرز عوام - فریبنا نه و ارتجاعی بخدمت میگیرند و با زمانی که مردم ما تا حد نکه آت الله خمینی علاوه بر موافقت ضمنی با دو مرحله ای شدن انتخابات تا درست ۲۴ با ۳۶ ساعت قبل از آغاز انتخابات (چه در دور اول و چه در دوردوم یعنی درست زمانی که هیچکدام از نیروهای شرکت کننده در انتخابات حق تبلیغ نداشته اند، دست بکا رسبگرد و بیوا مفتوی خود را که هدف کویبیدن تبلیغاتی نمایندگان انقلابی کمونیست و مجاهدین را دنبال میکنند ما درمی نمایا دیوا اینکا ر موضع حزب جمهوری اسلامی را تقویت می نماید، نمیتوانند از کنار موضوع بسادگی رد شوند، آری، توده ها در همین رابطه متا هده کردند که چگونه آیت الله خمینی از موقعیت ممتاز خود برای پیشبرد اهدافش - حتی بدون توجه به همان آئین نامه موافق نونی که خود رژیم وضع کرده است - استفاده میکنند و این مسئله نمی - تواند تا شریخود را در ذهن بسیاری از آنان بجای نگذارد. علاوه بر این در همین جا و در رابطه با تجاری که توده ها از انتخابات اندوختند به دو مسئله اشاره میکنیم:

مجلس شورای ملی در انتخابات ۱۳۰۰ در تهران برگزار شد و در آنجا نمایندگان از احزاب و گروه های مختلف شرکت کردند. در آن زمان، رژیم پهلوی سعی داشت تا با استفاده از تبلیغات و فشارهای سیاسی، نتایج انتخابات را دستکاری کند. اما مردم ایران با آگاهی و بصیرت خود، نتایج واقعی را دیدند. این امر نشان دهنده رشد آگاهی سیاسی مردم و تقویت روحیه مبارزه با استبداد است. در آن دوره، مبارزه با استبداد و برای آزادی و دموکراسی بود. این مبارزه با موفقیت انجام شد و منجر به ایجاد نظام جمهوری اسلامی گردید.

مسئله اول

موضوع مزورانه و عوام فریبانه ای بود که منی مدرا تغذ کرد، یعنی صوری از انتخابات دور اول چنین وانمود کرد که به تقلبات انتخاباتی رسیدگی خوا هدد کرد. و با این نگردها نت نظیر و نیروها شی نظیر مجاهدین خلق را پیش بسوی خود جلب کند، تا آنجا که مجاهدین شکایت انتخاباتی خود از حزب جمهوری اسلامی را پیش وی ببردند! اما گذشت زمان و سلکوت بنی پدر نشان داد، آنجا که با فشاری بر عملکردهای آنکا را ارتجاعی رقیب

وحدت درونی جناح های حاکم را برهم میزند و آنجا که منافع کل رژیم در میان است اختلاف ما بین جناح های حاکم کنرا رگذا شته میشود!

مسئله دوم

شکست و برپا شدن نظرات و تاکتیک های لیبرالی مجاهدین خلق در جریان انتخابات بود، مجاهدین که با حرارتی کم نظیر در دور اول انتخابات شرکت کرده و هواداران پر شور خود را وارد این عرصه کرده بودند. این توهما در بین هواداران خود مان زده بودند که گویا تحت حاکمیت رژیم کنونی میتوان (بعنوان یک احتمال) مجلسی داشت که نه "راه طهای سرما به داری وابسته و ارتجاعی... بلکه... راه حل فد استشاری... را در پیش گیرد! اما گفتن ندا رده که نتایج انتخابات چگونه فقط بوجهی این نظر را که احتمال وجود مجلسی "فدا استشاری... بلکه درستی این "نظر" را نیز که عده قابل توجهی از نمایندگان مجاهدین امکان ورود به مجلس را دارند، نشان داد.

ها و مواضع ارتجاعی حکومت در دوردوم انتخابات شرکت نمایند و با برخی از نمایندگان در شهرستانها حتی با ۶۰۰۰ رای به مجلس راه یافتند! بسیاری از توده ها که در دور اول انتخابات شرکت کرده و به کاندیدای های انقلابی و مترقی رای داده بودند با این استدلال که "انتخابات نیست بلکه "انتخابات" است از شرکت در رای گیری خودداری نمودند. و مسلما آنچه در این میان به توده ها کمک کرده است که در جریان انتخابات تا حدی به ما هیئت مجلس کنونی بی برندا فشاگری ها و کا توضیحی نیروهای انقلابی کمونیست و دمکرات بوده است. ۴ - کوشش لیبرالها برای جلب نظر مجاهدین - در ۱۶ ماه گذشته جناح های گوناگون لیبرالها ی هیئت حاکمه درست برعکس حزب جمهوری اسلامی، نشان داده اند که چگونه در بازسازی نظام سرمایه داری وابسته از "هنر" و آینه نگری بیشتر برخوردارند، آنها در رابطه با سرکوب جنبش خلق و نیروهای انقلابی نیز روشهای کم و بیش متفاوتی دارند، و در جریان

آری توده ها به نسبت معینی از این انتخابات درس گرفتند به ما هیئت ارتجاعی پارلمان بی بردند و مهمترین گواه آن بطور مثال در همین تهران است که در دور اول حدود ۱۰۰۰۰ نفر در انتخابات شرکت کردند و در دور دوم حدود ۶۰۰۰۰ نفر یعنی قریب نیم میلیون نفر از کسانی که در دور اول شرکت کرده بودند حاضر نشدند تا توجه به تقلبات و عوام فریبیها و مواضع ارتجاعی حکومت در دور دوم انتخابات شرکت نمایند و با برخی از نمایندگان در شهرستانها حتی با ۶۰۰۰ رای به مجلس راه یافتند!

در اینجا مسئله این نیست که ارتجاع و تقلب کرده و از دیون و بدهیون بنحو عوام فریبانه و وقیحا نه ای به نفع خود استفاده کرد، بلکه مسئله درک و پیش بینی حرکات ارتجاع و درک این حقیقت از قبل بوده که تحت حاکمیت طبقات استمرکس از احتمال مجلس "فدا استشاری گفتن، سخن از امکان ورود عده قابل ملاحظه ای از نمایندگان دمکرات به میان آوردن هیچ چیز جز آرزوهای شریین و لیبرالی نیست! آری، توده ها به نسبت معینی از این انتخابات درس گرفتند و به ما هیئت ارتجاعی پارلمان پسندی بردند و مهمترین گواه آن بطور مثال در همین تهران اینست که در دور اول حدود ۲/۱۰۰/۰۰۰ نفر در انتخابات شرکت کردند و در دور دوم حدود ۱/۶۰۰/۰۰۰ نفر یعنی قریب نیم میلیون نفر از کسانی که در دور اول شرکت کرده بودند حاضر نشدند تا توجه به تقلبات و عوام فریبی

انتخابات نیز با این اختلاف در روش خود را نشان دادند. در همین حال که کلیه جناح های حاکم موضع خصمانه و واحدی در مقابل نیروهای انقلابی و کمونیست و نمایندگان آنان داشتند، در رابطه با مجاهدین سیاست آنان متفاوت میکرد. لیبرالها که "خطر" مجلس مورد نظر حزب جمهوری اسلامی را که با روشهای بی نهایت ارتجاعی و بسوسیده کوشش میکرد به آن برسد، درک کرده بودند، تلاش کردند تا بلکه نماینده و نمایندگان از مجاهدین را وارد مجلس گردانند، این خواست را هم جناح بنی مزدور هم جناح نهفت آزادی با خالی گذاشتن جای ا نفر در لیست ۱۲ نفری انتخابات مرحله دوم نشان دادند و با زرگان نشخا از نمایندگان رجوی پشتپانسی نمود، هدف لیبرالها از این تاکتیک کا ملا مشخص بقیه در صفحه ۱۳

Table with 10 columns: استان, نام گروه, تعداد رأی, درصد رأی, etc. It lists election results for various provinces and groups.

جدول ۱ - تعداد دور مدکانا ندیدها ی گروهها در مجلس شورای ملی بر حسب استانها ی کشور



تجاری از مبارزات کارگران کارخانه نخ زرین

پیش از قیام بهمن ماه ۵۷ مبارزات کارگران کارخانه نخ زرین وضع یکبارجه و منجمی نداشت. کارخانه‌های درگیری‌های حسود و کربندها با کارفرما پیدا می‌شد که آنهم سرعت در نظمه سرکوب می‌کردند. از حدود تیرماه سال ۵۸ زمره‌های در زمینه افزایش حقوق و تشکیل شورا در میان کارگران شکل می‌گرفت. که در ابتدا بعثت سرس کارگران از جاسوسهای کارفرما، گفتگوها حول خواسته‌ها و صورت تهیه مخفی داردا ما بعد از طی یک دوره و تکس جوشیل از قیام در دهن کارگران آنها در بنس‌های غلنی، خواست‌های خود را مطرح می‌کنند.

با شروع مبارزات کارگران، کارفرما ۷ نفر از کارگران مبارز کارخانه را اخراج می‌کند. (تعداد کارگران این کارخانه حدود ۸ نفرند). اعتراض کارگران برای بازگشت رفقا بنان آغاز می‌گردد. کارگران نیکه‌خواستار بازگشت اخراجیها بودند، بطور عمده از میان جوانان بودند. کارگران من و قدیمی که عده‌شان هم کم نبود (حدود ۴۰٪) در این مورد محنا - طانه برخورد می‌کردند. یکی از دلایل این مسئله این بود که کارگران آگاه و مبارزه‌کار کارگران قدیمی و من بهای کافی ندادند برای آگاه کردن آنها تلاش لازم کرده بودند.

کارگران خواستار بازگشت اخراجیها و انتخاب شورای کارخانه بودند. آنها نسبت به کارگران اخراج شده، جنبان اعتما دوله‌ای داشتند که در صورت انجام انتخابات شورا چندین نفر از میان آنها انتخاب می‌شدند. در این میان برای رسیدگی به مسئله اخراج کارگران، مکنفرازمینه کارگری پلی مکنیک به کارخانه می‌آید. این فرد فریبکارانه میگوید: "من میتوانم کارگران اخراجی را بداخل بساورم، اما چون میخواهم کارگران به نیروی خودشان پی ببرند از این روی زمین افراد داخل کارخانه شوری خود را انتخاب کنید و آنگاه اخراجیها را به کارخانه بر گردانید." این توصیه بیشتر از جهت انجام می - گرفت که شورایی از میان کارگران داخل کارخانه انتخاب می‌شد (بعثت کمبود تعداد دعا صومبارز در میان آنها ازود تریه سازش کشیده میشد.

کارگران اخراجی بی توجه به روحیه مبارزه جوشی کارگران در آن موقع تسلیم خواست نمایندند

کمینه کارگری پلی تکسنگ شده و به کارگران داخل سفارش می‌کنند که شورای موقت را از میان خود برگزینند.

در جریان مبارزه برای بازگشت اخراجیها، روحیه عمومی کارگران بسیار بالا رفته بود. آن تری و وحشی که در گذشته کارگران از کارفرما و عواملش داشتند فرو ریخته بود، آنها اینک با نجات در مقابل کارفرما می‌ایستادند و حرفشان را می‌زدند. این قدم بزرگی بود.

سرانجام شورای موقت از میان کارگران داخل کارخانه انتخاب می‌شود و اقدام به بازگرداندن کارگران اخراجی می‌نماید. اما از آنجا که بن شورا ترکیب ناممکنی داشت و نمی‌توانست با شکسوی خواسته‌های کارگران باشد، کم‌کم مزه، انحلال آن

داستندند چکارا بدکنند. از طرف دیگر بن اذسکبری این عده، عوامل کارفرما با کمک کمیته‌های، حرکات کارگران مبارز کارخانه را زیر نظر می‌گیرند. با این وجود کارگران مبارز کارخانه در چند مورد علامه‌های افشاگرانه بیخ می‌کنند که طی آن سه نفر دیگر از کارگران مبارز دستگیری شوند.

در این شرایط که از یک طرف خوفقان بر کارخانه حاکم شده بود و از طرف دیگر عناصر آگاه کارخانه در زندان سرمی‌برند، و روحیه کارگران تضعیف شده بود، عده‌ای از کارگران مبارز کارخانه‌های اطراف، پیشنهاد می‌کردند که کارگران کارخانه دست از کار بکشند و نحمن نمایند. این پیشنهاد در ذات خود گرا بی‌اراده‌گرا یا نه‌را به‌نما می‌گذاشت، زیرا تا عامل درونی آما دگی تغییر را نداشتند،

- از آنجا که در جوامع سرمایه داری، وظیفه مدیریت کارخانه کشف شیوه‌های برای بالا بردن هر چه بیشتر شدت استثمار کارگران است، از این رو در چنین شرایطی (که دولت حاکم، دولت سرمایه داری است) نمایندگان کارگران نباید در مدیریت کارخانه شرکت کنند و یا آنرا بدست گیرند.
- برای کاهش هر چه بیشتر رجه استثمار، کارگران آگاه و مبارز باید بجای شرکت در مدیریت کارخانه و یا بدست گرفتن آن، خواهان نظارت و کنترل بر مدیریت باشند.

عوامل بیرونی نمیتوانند آنرا تغییر دهد. در حالیکه عده قابل توجهی از کارگران نخ زرین به لزوم تعطیل کار و بستن بنای از کارگزاران زندانی نرسیده‌اند، چگونه میتوان با فشار از بیرون آنها را به آنها تحمیل کرد؟ از هم اینرو کارگران مبارز داخل کارخانه که از روحیه کارگران کارخانه‌ها خبری بودند، با انجام آن مخالف بودند.

سرانجام این چند روز که علامه‌های در زمینه لزوم بستن بنای از کارگزاران سربخیش میشود، تعدادی از کارگران کارخانه‌های مجاور نیز عده‌ای از کارگران بنکار بنس از تعطیل کار جلو کارخانه نخ زرین اجتماع می‌کنند.

کارگران این کارخانه نیز با روحیه‌ای خراب و با آگاهی بسیار کمی بودند. اینک حادثی بین کارگران جوان و منس بنس از پیش شده بود، دنیا له روی اتوروشو کارگران جوان و کم‌بها دادن بکار آگاه‌ها در میان کارگران منس بنس را نشان میداد. (کاری که در گذشته توسط کارگران آگاه زندانی صورت گرفته بود). اجتماع کارگران بنکار و دیگر کارخانه‌ها در برابر کارخانه نخ زرین و با سرز همبستگی با کارگران آن گذشته‌ها آنگاه آنها در ادامه مبارزه‌ها بناری می‌داد، برای هیئت حاکمه نیز بسیار راحت‌کننده بود.

هنکامتجمع کارگران در مقابل کارخانه، از طرف بعضی از کارگران زمره، کاروانگیزی کارفرما شروع می‌شود که در همین رابطه کارفرما از دیوار کارخانه فراری می‌کند. بنس‌ها کارگران زندانی آزاد می‌شوند و فردا به کارخانه می‌آیند. در این روزها حضور بنس‌کنان شوراهای متحد، شورای کارخانه مرکب از سه کارگر اخراجی و دو کارگر مبارز کارخانه تشکیل میشود.

و تشکیل شورای دائمی در میان کارگران شروع می‌شود.

دوما و بنس بنس از تشکیل شورای موقت، در شرایطی که کارگران از روحیه مبارزه جوشی خوبی برخوردار نبودند و خواستار انجام انتخابات بی‌سری تشکیل شورای دائمی بودند. کارفرما با ردیکر بنس از کارگران مبارز را اخراج می‌کند. (لازم به ذکر است که در این هنگام منس بعدن کارگران جوان با شور و علاقه در مبارزه شرکت می‌جستند و کارگران من هم - چنان با تردیدنا طرفضا با بودند.)

کارگران اخراجی برای رسیدگی به کارشان به مراجع قانونی مختلف مراجعه می‌کنند، و هر روز هنگام تعطیل شدن کارخانه در آن ایستاد و در میمان کارگران دست به فشار می‌زدند. آنها برای کارگران تعریف می‌کنند که چگونه مقامات مسئول سر خلاف ادعاهای فریبکارانه‌شان از سرمایه‌داران حمایت می‌کنند و نه کارگران و زحمتکشان. همچنین چند بار کارگران مبارز کارخانه، کنشکارانه م تعطیل کارخانه به آگاه‌ها و در آگاه‌ها کردن کارگران می‌گوشیدند، این اعمال در مجموع تا شرمینتی بر روی کارگران داشت و رابطه بین دولت و سرمایه - داران را برای آنها روشن ترمی کرد.

در یکی از همین روزها کارگران اخراجی در خلال تلاشها بنان برای بازگشت به کار، همراه با دو نفر دیگر از کارگران مبارز سوسله، با ساداران کمیته مرکز دستگیر شده (یکی از دو کارگر منس از انتقال به زندان موفق به فرار می‌شود). و جمعا ۹ نفر به زندان اوین انتقال می‌یابند.

از آنجا که کارگران آگاه و مبارز (که در این زمان در اسارت سرمی‌برند) بهنگام فعالیت خود در کارخانه در زمینه کار آگاه‌ها و آموزش کارگران به اندازه لازم کوشش نکرده بودند، بدستگیری آنان، کارگران مبارز داخل دچار سرگردانی شده و نمی -

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

توضیح درباره کمکهای مالی هموطنان مبارز! رفقا!

ما همواره با پشتیبانی و حمایت همه -
جانبه شما توانسته است اهداف انقلابی خود را پیش
برد. کمکهای مالی خود را هر طریق که میتوانید
بدرست ما برسانید.

برای اطمینان از اینکه کمکهای شما توسط
ما زمان در یافت شده، عددی بکرمی، با دورقمی و
با سه رقمی (حداکثر سه رقمی) به دلخواه بعنوان "کد"
انتخاب کرده و همراه با حرف اول نام خود به دریافت
کننده، کمک مالی بدهید.

ما زمان "کد" انتخابی شما را به ترتیب در ۱۰۰۰
با ۱۰۰ و با ۱۰ (عدد ۱۰۰۰ برای "کد" بکرمی ۱۰۰۰ برای
دورقمی و ۱۰ برای سه رقمی) ضرب کرده و حاصل آنرا
به مبلغی که پرداخت کرده اید اضافه نموده و همراه
با حرف اول نام شما در تریه "پیکار" چاپ میکنند. به
این ترتیب شما مطمئن می شوید که کمک مالی شما
در اختیار ما زمان قرار گرفته است.

مثلا اگر مبلغ پرداختی ۲۵۰۰۰ ریال و "کد"
انتخابی ۵۸ و حرف اول نام شما "ت" باشد در ستون
کمکهای مالی دریافت شده (۳۰۸۰۰) را ملاحظه خواهد
کرد.

$$58 \times 100 = 5800$$

$$25000 + 5800 = 30800$$

کمکهای مالی دریافت شده

الف	۸۰۰۰	ت	۱۳۹۰۰
ب	۶۲۰۰	ج	۱۲۹۰۰
س	۶۲۰۰	ر	۱۲۰۰۰
ش	۴۱۰۰۰	س	۱۰۲۵۰
ع	۴۱۰۰	ع	۶۵۰۰
غ	۵۰۰۰	ع	۵۱۰۰۰
ک	۴۱۶۰	ف	۳۰۱۰
م	۳۶۰۰	ک	۳۱۴۰۰
ن	۴۲۰۰	م	۲۸۰۰۰
ه	۱۶۲۵۰	ن	۷۰۰۰

کران توضیح می دادند که اگر کارفرما یا بنده و
با زگرده، وضع مثل سابق خواهد شد، اما چون شما می -
خواهید ما هم موافق هستیم. بدین ترتیب تا درستی
دیدگاه زگران طی یک جریان در از مدت مشخص میشد
اعتقاد آنها نسبت به کارگران آگاه با لا میرفت.

سرانجام بعلمت برخورد های نادرست شور و
نوطه های مراجع دولتی و عوامل کارفرما کارگران
کا ملا از شور و ما بوس شده و شور و بطور خود بخودی روبه
انحلال میرود.

اکنون با توجه به آنچه گذشت میتوان مهمترین
نقاط ضعف مبارزه کارگران کارخانه نخ زربین را
بصورت زیر خلاصه کرد.

۱ - کم بهادان به کار آگاه هگران در میان کارگران
من و قدیمی که نتیجه آن حدود ۵۰٪ از کارگران
در مبارزه شرکت فعال نداشتند.

۲ - ندادن آموزش لازم به کارگران مبارز، بطوریکه
با اخراج و یا دستگیری عده ای از کارگران آگاه
بقیه کارگران دچار سرگردانی شده و نمیتوانستند
چکارا بدیکند.

۳ - بدست گرفتن مدیریت کارخانه که در این مرحله
غیرمنطقی و ناممکن بوده و عملیات منجر میشود.

اعتراض شورای ناشران و کتابفروشان به دستگیری همکارانشان

بنازگی شورای ناشران و کتابفروشان در رابطه
با هجوم ارتجاع به کتابفروشیها، چاپخانه ها و
دستگیری و ضرب و جرح ناشرین، نامه ای به بنی صدر
نوشته اند که در زیر بقیست از آنرا ملاحظه میکنید.
ما در حالیکه اینگونه اعمال را جزئی از سیاست
ویرانه ها و سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و
نشانه زبونی و ورژنکستی آن در مقابل بله با رندنبرو -
ها و نندیشه های انقلابی میدانیم، حمله به چاپخانه ها
کتابفروشیها و دستگیری ناشران مبارزان را بشدت
محکوم می کنیم:

"منافسانه برخلاف انتظار که بعد از زبیسروزی
انقلاب خونین مردم کشور ما از جمهوری اسلامی بعنوان
تا مین گذشته آزادی بیان، نشر و عقیده بعد از سالیان
در از خفان و سرکوب میرفت، جامعه ما ناشرین و
کتابفروشان از ابتدا مورد هجوم دسته های سرکوب
و حتی نهادهای مسئول قرار گرفته است. دسته های
اخیرا لذکر تحت نام ما و اسلام حیثیت و شئون اساسی
جمهوری نوپای ایران را زیر پا گذاشته، با آتش
زدن کتابفروشیها و زمین بردن بساط کتابفروشان
تا مین شغلی این صفا را از زمین برده و سرکوب و
زورگوشی را با بگرن سرخورده اندیشه های می نماید.
روشن است چنین سرکوبی که می توانوا نشی و زشد
اندیشه ها سبب میکند هیچگاه نمیتوانند استقلال
فرهنگی مردم این کشور از سلطه امپریالیسم بیانجامد
بلکه به سلطه آن کمک می نماید.

از طرف دیگر اخیرا چند فقره دستگیری و بازداشت
ناشرین و کتابفروشان از جمله کتابفروشی با پدار، انتشارات
شبا هنک و مینا توسط نهادهای مسئول پیش آمده است
که در اولی به ضرب و جرح و توهین و در موا و دیگر
حتی به ضبط کلیه کتابهای فروشگا و و اسباب آنها
منجر گشته است. همزمان بودن این اقدامات بسا:
بقیه در صفحه ۱۴

خود از موضع قدرت برای نظارت و کنترل مدیریت با
نماینگان دولت و اردمذاکره میند، این مسئله
خصوصا اگر شور و می توانست حقوق یکما ه کارگران را
از طریق فروش تولیبات آید (و به این ترتیب
پشتیبانی آنها را جلب نماید، امکان پذیر تر بود.
بهر حال این اقدام صورت نگرفت و بعلمت سی -
بولی، وعدم امکان پرداخت حقوق کارگران، ناراضی
آنها از شور و با لا گرفت، بطوریکه خواستار بازگشت
همان کارفرمای سابق شدند. در چنین حالت حساسی
نماینده کارفرما، بهمه را نمایند، وزارت کار به
کارخانه می آید تا اداره آید بدست گیرند. در
این موقع که کارگران به نمایند، کارفرما همچون
فرشته نجات نگاه می کردند، کارگران آگاه با یک
برخورد چپ روان نسبت به نمایند، کارفرما، کار -
گران را بیش از پیش نسبت بخود بدین میکنند، آنها
به نمایند، کارفرما میگویند: تو با بدکارتر نشا -
ساشی داشته باشی، ما بتوا اعتماد داریم و...
در صورتیکه این با بیستی در آن شرایط برای کار -

(ب) - وجود صندوق اعتبار، در چنین حالتی می -
توانست کارما را بحد.

با فرار کارفرما اداره کارخانه (اعم از خرید
مواد اولیه، تولید و فروش) کا ملا بدست شورا می -
افتد و چون مقدار مواد اولیه وجود داشته کارخانه
شروع بکار می نماید.

عوامل مزدور کارفرما از همان ابتدای کار شور و
علمیه آن شروع به سمپاشی می کنند، و شور و با وجودیکه
قدرت و اخراج این افراد را داشته، نجا م آنرا موکول
به برهه اندازی کا مل کارخانه می نماید. این اولین
اشتباه بزرگ شورا بود.

از طرف دیگر کمیته مرکز و کارفرما که دریافت
بودند، برای اخراج و سرکوب کارگران مبارزان
حاجت با کارگران را از آنها طلب نمود، برای منزوی
کردن شور و است به توطئه میزنند. کمیته مرکز با همکاری
کمیته منصفی بازار، خرید تولیبات این کارخانه
را تحریم می نماید!

روزپرداخت حقوق نزدیک میشود، اما بولی برای
پرداخت وجود ندارد، کارگاهای تولید شده بنا را بر
کرده و عمده خران با پیروی از کمیته منصفی از خرید
کالا (موردی می کنند. مواد اولیه روبه تمام است.
کارگران را و حجت بیگاری و زمین رفتن سا بقه کار
فرما می گیرد و عوامل مزدور کارفرما از فرصت استفاده
کرده و این نگرانی و ناراضیاتی از شور و را دا من می -
زنند. تلاشهای شور و برای فروش کارگاهای تولید
شده نتیجه چشمگیری بنا ر نمی آورد، و شور و هر روز
منزوی ترمی شود.
اکنون پیش از ادا به مطلب مسئله فرار کارفرما
و بدست گرفتن مدیریت از طرف شور و را بطور مختصر
مورد بررسی قرار می دهیم.

واقعیت اینست که در جوامع سرمایه داری،
وظیفه مدیریت کارخانه کشف شیوه های برای بسا
بردن هر چه بیشتر شدت استثمار کارگران است، از بسرو
در چنین شرایطی (که دولت حاکم، دولت سرمایه داری
است) نمایندگان کارگران نباید در مدیریت کار -
خانه شرکت کنند و با مدیریت آنرا بدست گیرند. آنها
در این مرحله باید بمنظور کاهش هر چه بیشتر درجه
استثمار خواهان نظارت و کنترل خود بر مدیریت
بنا شوند. بنا بر این در شرایطی که کارگران با فرار
کارفرما با این کارخانه ها روبه روستند، شور و نباید
مدیریت را بدست گیرد، بلکه با بدولتی شدن کار -
خانه و کنترل و نظارت بر مدیریت آن را تبلیغ نماید.
در چنین وضعیتی با توجه به اینکه نظام حاکم
بسر جا مع سرمایه داری است و ادا ره کارخانه توسط
دولت و با سرمایه داری خصوصی از نظر درجه استثمار
فرقی نمی کند، دولتی شدن کارخانه موجب میشود که
کارگران در جریا مبارزات خود به ما هیت دولت زود -
تر بی برند و در کار این مسئله خود قدمی جلوا است بقول
لنین، شیوه های آنها و آشکارا استثمار را گرچه ز نظر
عملی برای کارگران تغاوتی ندارد، ولی ما استثمار
آشکارا ترجیح می دهیم تا بتوا نیم بهتر آنرا برای
کارگران توضیح دهیم.

بر اساس آنچه گذشت، میتوان گفت که در این
مرحله بدست گرفتن اداره کارخانه (موردی که خرید مواد
اولیه، تولید، فروش و...) توسط شور و منطقی
است و نه امکان پذیر.

شور و با بست از همان ابتدای تشکیل شدنش
با نا مه نوشتن به مراجع دولتی ما نندوزا رت کار،
وزارت صنایع و معادن، دادستانی و... از آنها می -
خواست که در مورد اداره کارخانه نمایند به فرستند و

جنبش دهقانی



اقدامات انقلابی اهالی روستای «نحطالو»

روستای "نحطالو" در منطقه "آجرلو" از مناطق اطراف "میاندوآب" قرار دارد. بدنیال اقدام انقلابی اهالی روستای "اربط سفلی" از روستاهای همجوار "نحطالو" (که شرح جریان آن در پیکار ۳۸ آمده است) اهالی روستای "نحطالو" نیز در صدد تقسیم مایملک ارباب ده برآمدند. لازم به تذکر است که مایملک ارباب ده عبارت از ۹ هکتار زمین زیر کشت، یک آسیاب گندم یک خانه و یک بازار هفتگی است که اکثر روستائیان اطراف برای خرید و فروش به این بازار می‌آیند و سالانه بیش از ۴۵ هزار تومان درآمد دارد و ارباب این بازار به حاجی مهدی مرادی و شهیدی قدرت (مالک کارگاه آلومینیم سازی) اجاره داده است.

از اول اردیبهشت اهالی روستا بازار هفتگی ارباب را با همکاری هم بدست گرفتند. هفته دوم اردیبهشت "شهیدی قدرت" با چند نفر از اندام مسلح از میاندوآب به ده آمد تا دلالتی بسازار را بگیرد اما روستائیان با مقاومت شجاعانه خود او و ژاندارمها را از این کار باز داشتند. یکروز بعد بتاریخ ۵۹/۲/۱۲ شخصی نامبرده اینبار بسا ژاندارمهای مسلح شا هیند ژبه ده آمد. ژاندارمها با خشونت سه نفر از روستائیان را دستگیر کردند و یکی از آنها را به میاندوآب و نفر دیگر را به شاهیندژ بردند. بدنیال این واقعه ۳۰ نفر از دهقانان مبارز، بعد از آزاد نمودن یکی از دهقانان در میاندوآب، به سراغ دادستان به اصطلاح انقلابی میاندوآب رفتند اما دادستان بعد از دست بسر کردن دهقانان زحمتکش به شهیدی قدرت اطمینان داد که بازار هفتگی او را بخودش باز می‌گرداند چون بازار شرط "قانونا" در اختیار اوست روستائیان "نحطالو" با اطلاع از این قول دادستان به شخص مذکور به این نتیجه رسیدند که بغیر از اتحاد و حرکت انقلابی خودشان امید دیگری وجود ندارد. لذا با تصمیم قبلی ابتدا به شاهیندژ رفته و بعد از آزاد کردن دو نفر دیگر از اهالی زندانی ده به "نحطالو" برگشتند و زمینهای ارباب را نیز بهین خودشان تقسیم کردند. لازم به توضیح است که دهقانان مبارز قبلاً خانه ارباب را خراب کرده و در پنجره و جویهای سقف آنرا بین خود تقسیم کرده بودند!

مبارزات چایکاران لاهیجان، رودسر، لنگرود، املش و... ادامه دارد

طبق روال هر سال که دولت با اجازه کارخانه‌های چای شمال، محصول چای چایکاران را روزانه تحویل گرفته و در میان فصل چایکاری قیمت آنها را می‌پرداخت، امسال بعلمت عدم اجازه کارخانه‌ها و بسته ماندن آنها، محصول چایکاران روی دست آنها باقی ماند. در تاریخ ۵۹/۲/۲۱ "سازمان چای شمال" اعلام کرد که بعلمت تکمیل ظرفیت کارخانه، تا دوروز بهیچوجه حاضر به تحویل گرفتن چای نیست. در این بین دوروز کشا و روزان از جیدن چای خودداری کرده و بسا آزار دریا زار آزا در فرودگاه، صبح روز سوم ۵۹/۲/۲۳ چایکاران با زبانه در بسته کارخانه‌ها مواجه شدند. با دادن چنین وضعی، آنها تصمیم گرفتند که به سازمان چای در لاهیجان بیرونند. لذا کلیه چایکاران دهسات اطراف لاهیجان، لنگرود، رودسر، املش و... بهسمره

محصول چای خود، به سازمان چای مراجعت کردند. عده‌ای از آنها در گروه‌های ۷۰ نفره با دادن شعار - هاشی از قبیل "درد و سرکش و رز، مرگ بر سرما به دار" وارد شهر شده بطرف فرمانداری رفتند، و گروهی دیگری به محل سازمان مذکور رفته و پس از گروگانگیری معاون سازمان چای بطرف فرمانداری راه افتادند. آنها در مسیر خود مردم را به پشتیبانی از خود می - طلبیدند. دهقانان مبارزان زوجه بسیار خوب مبارزاتی برخوردار بودند و با فریادهای رسای خود کینه خود را نسبت به سرما به داران نشان می‌دادند. انبوه مردم زحمتکش نیز برای پشتیبانی از دهقانان مبارز به آنها ملحق می‌شدند و شعار می‌دادند: "چسای کشا و روزان تحویل باید بگردد"، "کارگر، کشا و روز، پیوندتان مبارک"، "بنی صدر، بنی صدر، کشا و روزان آوارا نند"، "کشا و روزان و مردم در مقابل فرمانداری تجمع کردند، اما با اطلاع از نبودن فرماندار در محل بطرف اداره چای "راه افتادند. در آنجا معاون سازمان چای پس از استعنا سردواندن کشا و روزان، با لاشه مجبور شد که ضمن تا معای به تمام کارخانه‌های چای منطقه، آنها را موظف به خرید چای نماید. دهقانان مبارز در این نظا هرات خود با سخنرانی هایشان سیاست دولت را که در حرف مدعی پشتیبانی از کشا و روزان است ولی هیچ عملی انجام نمی‌دهد، افشا کردند. یکی از آنها در صحبتش گفت:

مبارزه دهقانان "بین‌کند" زنجان

بدنیال فرار "مصطفی خان ذوالفقاری" ارباب ده "بین‌کند"، دهقانان مبارز این روستا به اتفاق هم و با مصادره انقلابی زمینهای ارباب، آنها را بین خود تقسیم کردند. علاوه بر زمینها، ارباب ده حدود ۹۰۰ راس گوسفند داشت که می‌توان گفت آنها را عمدتاً از دسترنج دهقانان زحمتکشی "بین‌کند" جمع کرده بود و اکنون این گوسفندان قاعدتاً باید در اختیار دهقانان قرار گیرند. اما بنیهاد مستضعفین این گوسفندان را برای خود برداشتند. دهقانان از این اقدام بنیهاد خشمگین شده و بتاریخ ۵۹/۲/۱۷ به زنجان آمدند. سپاه پاسداران زنجان با دیدن حرکت دسته جمعی دهقانان، نماینده مبارزان آنها را دستگیر کرد. دهقانان با مشاهده چنین وضعی دست به راهپیمایی زدند و با دادن شعارهای انقلابی خواهان آزادی نماینده خود شدند آنها پس از راهپیمایی در جلو مقر پاسداران تجمع کردند. در اثر این اقدام، سپاه پاسداران مجبور به آزادی نماینده دهقانان شد. دهقانان با دادن شعار "تأحق خود نگیریم، حتی اگر بعیریم از اینجا نبریم" خواسته‌های خود را مطرح می‌کردند. تا کنون از نتیجه مبارزه آنها خبری بدست ما نرسیده است.



هجوم پاسداران به روستای یارجان میاندوآب

هواداران سازمان در میاندوآب در رابطه با هجوم پاسداران به روستای یارجان در تاریخ ۵۹/۲/۲۸ اعلامیه‌ای منتشر کرده اند که در زیر رقمستی از آنرا ملاحظه می‌کنید:

حدود یکسال است که خوش نشینان و دهقانان و زحمتکشان "یارجان" برای مصا دره زمین‌های ده با ارباب این روستا بنام "ابراهیم اسکندری" و مزدوران او مبارزه می‌کنند.....

خوش نشینان و دهقانان "یارجان" متحد شده‌اند تا زمینهای را که خود اجدادشان سالیان در زیر روی آن جان کنده‌اند و بسوزور سلحه ارباب و حکومت شاه زست داده‌اند، پس بگیرند. ارباب و مزدور

تقیه در صفحه ۱۴

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

خلق‌ها و مسئله ملی



پیکار خلق کرد در هفته گذشته

هما نظور که در نماز قبیل "پیکار" بیش بسنیی کردیم، جریان مبارزه پیرمانا نه خلق کرد، همچون رودخانه‌ای خروشان به پیش می‌رود. وقایع هفته اخیر در کردستان، با اردیگردان، دادگاه سقوط سنج و نهایتاً هم کشنده رژیم به تنهایی موجب شکست خلق گرداننده بلکه بیوندین مردم شهرهای مختلف کردستان را بر بستر همسنگی نوده‌های آکا و حمایت نیروهای کمونیست، مستحکم تر نموده است. از طرفی نوده‌های زحمتکش کرد، آغوش خود را همچون ما منی تسخیر - تا پذیرای زکات‌انده انداندا پیشمرگان رزمنده خود را در آن جای دهند. رژیم جمهوری اسلامی برای دستیابی به پیشمرگان قهرمان در سنج از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند. اما هر حبله و توطئه او در این زمینه در اثر مقاومت دلیرانه و رزمجویانه زنان و مردان زحمتکش کردستان شکست مواجه شده است. بروری سرکوه‌هایی از مبارزات خلق کرد در شهرهای مختلف در هفته گذشته ما را با اوج کوشش کردستان و سیرد خلق قهرمان کرد، بیشتر آشنا می‌سازد.

سه شنبه ۵۹/۲/۲۳ انفجار مقر جاشا، حمله به پادگان ارومیه

امروز انقلابیون خلق کرد در کرمانشاه مقرر جاشا این مرکز خباثت را منفجر کردند. در او اسل همن روز پیشمرگان حزب دمکرات با حمله به پادگان ارومیه و مرکز کربا به پادگان، آنجا را تحت محاصره خود در آوردند. طی درگیری بین پیشمرگان و نیروهای سرکوبگر رژیم، نفرازی پادگان و نظامیان کشته شدند. در همین حال در تبریز یکی از دانشجویان انقلابی کرد رفیق کمال کیا نفرینکام نصب اعلامیه اخبار جنبش خلق کرد توسط پادگان ضد انقلاب به شهات رسید و این جنایت با نفرت و خشم فراوان مردم روبرو گشت.

پنج شنبه ۵۹/۲/۲۵ تظاهرات مردم مهاباد

در این روز شهر مهابادنا هدتشیع جنازه با نکرده دانشجوی شهید، کمال کیا نفر بوده و مردم مهاباد در این تظاهرات ضمن محکوم کردن شدید جنایات رژیم جمهوری اسلامی، خشم خود را از جنبش خائن نوده برای زگردند، علیرغم مخالفت سازمانهای سیاسی، اقشار مبارز و زحمتکش مهاباد، بغا طرفت عمیق از خباثت‌های حزب نوده و همصدائی او با رژیم عقبه در صفحه ۷

مکالمات فرماندهان نظامی با زبردستان : اسناد زنده کشتار در کردستان

متنی که در پیش رود اردیگردانها شی از نوار مکالمات فرماندهان نظامی مستقر در سفروستندج مینا ندکه توسط رفقای ما از نسیم ضبط گردیده است. این نوار سند زنده جنایات ارتش جمهوری اسلامی در کردستان است (۱). هر چند که میلیونها نفر از مردم کردستان و صدها هزار انسانی که مورد حمله توپ و تانک و خمپاره‌ها و سمپاره‌های هواشرا رگرفته اند و نا هودنا طرح جنایات پاداران و ارتش ضد خلقی بوده اند خود بهترین گواهان و خود بهترین اسناد گویای می باشند.

مکالمه فرمانده با زبردست مروری بر متن مکالمه

تحریک و تهییج پرسنل زبردست توسط فرماندهان

نکته‌ای به متن مکالمه نشان می‌دهد که فرماندهان مزدور با تحقیر سربازان و درجه داران و با ترو خطاب نمودن آنها سعی میکنند پرسنل زبردست خود را تحریک و تهییج کنند تا روش و آشنی جنایات ارتشهای امپریالیستی را به آنها بیاموزند. رژیم جمهوری اسلامی، ارتشی سرتاپا ملج را به جنگ خلق زحمتکش کرد کسبل کرده است و هزاران مین و صدها اسلحه برای کشتار خلق زحمتکش کرد و زنان و کودکان را سد فاع و سگار گرفته شده است.

سرکرد: بهمن شیراندازی نکن، هول نشو، با تیربار تیراندازی نکن.
یک نفر قریا دمیزند - ما را داردمیزند... خودی است! سرکرد: بن، بن، بن، بار و ترسوست، میترسد، بچه قنداقی است جلجله بگویم: زال، با این لودر دودا نکیز... الان جلوی تپاست، الان چنیازی هست به این.
- صبر کن با ما، آخرت سلحجات را درست نمیدهد یک دفعه ۲۰۰ مین رد می‌کنند یا نور، اینکه نمیتوانند با بست جا بجا کنند.

گلوه باران محلات فقیرنشین، مسجد و بیمارستان

اکنون دیگر جنایاتی که ارتش جمهوری اسلامی به پیرمانا با ساداران در کردستان مرتکب شده و میشود، برای بسیاری از نوده‌های زحمتکش و آگاه مین ما پوشیده نیست آنها محلات فقیرنشیني همچون "کجل آباد" و "حمال آباد" را در سقر به توپ و خمپاره می‌بندند و صدها نفر از مردم زحمتکش این شهر و شهرهای دیگر را بشهادت میرسانند. دشمنی عمیق رژیم از لایلی کلمات مزدوران نش عربان است. اما "کجل - آباد" ها، همچنان شادمانه رزات ما دلانه خلق کرد برای احقاق حقوق خود خواهی بود.

آری، خانه‌های گلی زحمتکش را به توب سیندیتا با به‌های یوسیده نظام سرما به داری وابسته را چند صحنی دیگر قوام بخشید! چه کسی مساجد و خانه‌های مردم زحمتکش را به توپ می‌بندند و قریا دوا مسلمانی سر میدهند؟ رژیم با تبلیغات عوام فریبانه اعمال ضد خلقی ارتش و سپاه پاداران را به خلق قهرمان کرد و پیشمرگان رزمنده نسبت میدهد، اما نوده‌های فریادهای مذبح‌ها را با ورنخواهند داشت، ابعا دجنایات رژیم حتی به بیمارستانها نیز کشیده شده است. خلق - های مین ما، شلیک ارتش آریا مهری به بیمارستانها را هنوز بخاطر دارند و میداندند که تنها دشمنان قسم خورده خلق، میتوانند چنین گستاخانه بیمار در سنا را در هم کوبند.

زال از شیر: بز نیم بطف کجل آباد.
کیک از زال: بسفل رودخانه روی مسجد، جاده بیابا به عقب، کجل آباد را بکوبید و سمر کزدید.
زال: تمرکز آنجا نه! داخل شهر این کار را میکنند از دجنایات این کار می‌کنند.
جلجله آژوبگویم: آژوتوب گذاشتید.
آهو: چرا من بیش گفتم از سیمارستان تا پشت بیمارستان را بزنند من بیش گفتم.
جلجله: نه یک کار دیگر، چشم داخل را زدم، یکی دیگر آمد اگر میتوانی تا راحت نمیشوی. دوباره ۵ تا بزوجلو، در جا می‌زندش.

در قسمتی دیگر درمی‌یابیم که فرمانده مزدور به (۱) - متن کامل این مکالمات توسط دانشجویان دانش آموزان طرفدارا زمان بیگانه رد در راه آزادی طبقه کارگر (تبریز) نگاشته شده است.

آهو: منظور اینست که ببین، عزیزان، نرسیده بتو، با لای سرتو، همان خانه‌ها شیکه به تو گفته بودند میخواستیم برویم بیرون، آن خانه‌ها، بکدانه سه طبقه است یا شین، آنرا می‌گویم.
- بزنید همان کجل آباد دیگر
آهو: نه حمال آباد، این طرف

آری، خانه‌های گلی زحمتکش را به توب سیندیتا با به‌های یوسیده نظام سرما به داری وابسته را چند صحنی دیگر قوام بخشید! چه کسی مساجد و خانه‌های مردم زحمتکش را به توپ می‌بندند و قریا دوا مسلمانی سر میدهند؟ رژیم با تبلیغات عوام فریبانه اعمال ضد خلقی ارتش و سپاه پاداران را به خلق قهرمان کرد و پیشمرگان رزمنده نسبت میدهد، اما نوده‌های فریادهای مذبح‌ها را با ورنخواهند داشت، ابعا دجنایات رژیم حتی به بیمارستانها نیز کشیده شده است. خلق - های مین ما، شلیک ارتش آریا مهری به بیمارستانها را هنوز بخاطر دارند و میداندند که تنها دشمنان قسم خورده خلق، میتوانند چنین گستاخانه بیمار در سنا را در هم کوبند.

اسم آهو (اسم رمز) دستور حمله به "حمال آباد" (۲) را ما در می‌کنند. مزدوران رژیم سرپنا خلقهای زحمتکش را در هم می‌کوبند، کودکان و زنان را سد فاع را به رگبار مسلسل می‌بندند، غافل از اینکه هیچکدام از این اقدامات نمیتوانند مانع از ادامه بیگانه مقاومت جویانه و خونین خلق کرد باشد. کوهها و دشتهای کردستان نغمه‌ساز می‌خواهند، جویبارهای خونین دردها، آواز نرسرد شده اند و خلق کردها و بقیه در صفحه ۷

(۱) - متن کامل این مکالمات توسط دانشجویان دانش آموزان طرفدارا زمان بیگانه رد در راه آزادی طبقه کارگر (تبریز) نگاشته شده است.
(۲) - "کجل آباد" و "حمال آباد" از مناطق فقیرنشین سقر هستند.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۶ پیکار ...

در کسار خلق کرد، بددین خرب مذکور حمله کرده و خواستار جمع کردن ساط آنان بودند. سردسیدی نسبت که مخالفان ما را ساطی با این عمل مردم هرگز، نه با طر حما با از حزب حاشن بوده بلکه عمدتا با طر جلویگیری از مدوشدن مرزین دشمن اصلی در گردستان یعنی رژیم با ارکانهای سرکوش و خاشینی همچون حزب بوده بوده است.

امروز همچین با ساداران مستقر در روانسر مورد حمله پیشمرگان نهرمان فرا گرفتند که طی آن ۴ نفر از ساداران کشته شدند، اخبار رسیده در این روز از با نه حاکی از آن بوده که با دگان با نه در محاصره پیشمرگان قرار گرفته است، همچین امروز سنجacht کنترل ارش و با ساداران در آمده است.

تظاهرات با شکوه مردم سندان در نقاط مختلف شهر

روزهای ۲۶ و ۲۷ اردیبهست روزی با رسیده مقابلهت حاشا سافرس بوده های سندان و در حین خلق گرد در سندان بود، در این روزها سندان حاشا نظارات با شکوه مردم، با شرکت فعال ساداران امروزه ان مدارس بود، در این نظارات که بصورت موضعی و در محلات مختلف انجام میگرفت مردم با رد کرسیا دادن شعارهای انقلابی تنفر خود را از ساداران و ارش و حنا با ت رژیم بیان میکردند. آنها متنا سلا همبستگی خود را با پیشمرگان نهرمان ابراز میکردند مردم دلیر سندان و بخصوص دانش آموزان انقلابی، در این نظارات، روحه نیرومند و با رزه جویا نه خود را اینها پیش گذاشتند، با نگونه که یکی از دانش آموزان کس وسال، با یون با رنگ به میان با ساداران و کشته شدن دوش از آنها نشان داد که ورود با ساداران و ارش داخل شهر هیچ تزلزلتی در روحه نیرومند خلق کرد و حتی فرزندان کم سن و

شبه در صفحه ۱۳



اود دشمنان را نخواهد بخشید!

بقیه از صفحه ۶ مکالمات ...

با آنها فریاد میزند: "هر خاشه ما سگری است، هر فلیمان با رنگی است، هر دشمن ما سلسلی است، اگر همه کشته شویم، طلع صلاح نمیشود."

درازش جمهوری اسلامی: مجازات خودداری از شرکت در کشتار خلق، اعدام! پاداش شرکت در کشتار خلق، پول و ارتقا درجه!

خطاب به فرمانده: بعرضتان برسانم که دو نفر گروهیان بنام "سروش فر" و "باوسی" بدون اجازه من بر سرور اینجا را ترک کردند و آمدند... استدعا میکنم همین الان دستور فرمایید آنها را سندان زندندان فرمایند؛ اینها محکوم به اعدامند. از همین الان حکم اعدامشان صادرند.

- بعرضتان برسانم فرمانده که گروهیان و طیفه داریم الان اسن را بعرضتان میرسانم بنام "جواد جلیل پور" یکی از درجه داران با ایمان و با صداقت و از اول آدمی اینجا... خواهش میکنم بحقوقتی این درجه - دارا شوق کنید... دیگری هم بنام "منشقی" (بعدا ز گفتگوی کوتاه)

فرمانده: جلیل پور را فردا ۳۰۰۰ تومان پساداش برایش میفرستم.

(گفتگوی کوتاه)

فرمانده: بهش (به منشقی) ابلاغ کن گروهیان بسک بزنند.

- اینان گروهیان یک بشوند؟

- بله، بله آنها هر دو گروهیان یک بشوند.

حمله به ماشین های مسافری

- کیک از زال: نزدیک سدهم هستم، هرما شینی می - آید، بزنید خیلی فشنگ میتوانید هرما شینی که آمد بزنید، پس ما اجرائی کنیم، شما اجرا کنید، دیگره اگر ما شین بدید شما خودتان خفاش کنید.

در دادگاه انقلاب ویژه نظامی اصفهان
محاكمه ۱۵ نظامی
به اتهام تحریک و اغتشاش پایان یافت
* يك سوانبار سوم هواپرواز اعدام شد
* ۷ متهم دیگر به زندانهای مختلف محکوم شدند.

- آنطرف داده، خانه را بزن.
- جناب سرکرد جاشنی اش خراب بودا ندا ختمیم با شین - کجا انداختید.
- دهات، دهات دشمن!

شبه در صفحه ۱۳

به موازات سر دخلق کرد، فرماندهان ارش در تلاش کنش جنابا ت خود حسی در درون ارش هستند، زیرا کم نیستند نظا مانی که حاضر نیستند بسوی زحمتگان گردن لنگ کنند، آنها مرک را بر ننگ رویا روشی خلق کرد شرح میدهند، در قسمتی از مکالمه می بینیم که چگونه فرمانده مزدور بسدون درنگ دو درجه دار ما بر سنا میهای "سروش فر" و "باوسی" را به اعدام محکوم می کند با طرا اینکه ما فرماندهی نموده و از شرکت در کشتار خلق کرد خودداری کرده اند فرماندهان مزدور با اعمالی این چنین نشان می - دهند که فتون جنابا ت را بخوبی از امیرالیم بساد گرفته اند: جرم سربچی از کشتار خلق اعدام است، اما تعدادا مثال "سروش فر" ها و "باوسی" ها هر روز در ارش مدخلی روزه ترا اید است، فرزندان کسه از ما با خلق در آمده و به خلق وفا دارند، در جایی دیگر می بینیم به بر سنی که در کشتار خلق کرد، از هیچ فساوتی مفا یقه نمی کنند و عده سه هزار تومان با داش و ارتقا، درجه داده میشود، این اقدام شوع دیگری از حبله های رژیم است، رژیم بر سسل ارش را تحریک و تهییج میکند و میخواهد با تشویه و تشویق آنها، کشتار خلق کرد را به سراجا م رسانند.

حمله به ماشین های مسافری شکل دیگری از جنابا ت است که توسط ارش و با ساداران صورت میگردد، نظری به مکالمه بین مزدوران ارشی، سندانده این عمل را پیش روی ما فرار میدهد: "خیلی فشنگ هرما شینی که آمد بزنید، جنابا ت از اینگونه را، حتی ارکانهای سلسله ای و بسته رژیم بسوزن تا سندان کشتگان کنند و ما بارها ه دشمن اخباری، در روزنامه های دولتی بوده و هستیم.

گلوه باران دهات

فرمان رژیم جمهوری اسلامی این است: گردستان را به یونای سانی تبدیل کنید، کوجه بس کوجه های شهرها و روستا های فقیرترین را با خاک بسکان سازید. این فرمان را ما از لایلهی مکالمات نظا میان درمی یابیم، سراسنی که دهقانان زحمتکش گردستان دشمن طبقاتی رژیم هستند، دهقانانی که سالها زیر بار ستم ملی و طبقاتی، قلبها سنان مالا مال از کینه و نفرت طبقاتی است.



برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

پیروزی سوسیالیسم بر فاشیسم هیتلری (۲)

حمله فاشیسم به شوروی سوسیالیستی

در ۲۲ ژوئن سال ۱۹۴۱ آلمان هیتلری بمیان عدم‌نجا و زرا بطور ناگهانی تاخت کرده و ارتش آلمان با ۱۷۰ لشکر مجهز به هزاران تانک و هواپیما به شوروی سوسیالیستی حمله می‌نماید. هدف این حمله درهم‌شکنندگی دسنا و دربرولنا ریای جهانی و سوسا - لیسم یعنی شوروی سوسیالیستی بود.

این حمله نقطه عطفی در سیر جنگ جهانی دوم بود. اگر تا این مقطع جنگ در بین کشورهای امیر - سوسیالیستی جهت غارت جهان جریان داشت، با حمله به شوروی سنت جنگ تغییر می‌یافت. زیرا فاشیسم که متحده درنده‌خوترین و هارترین جناح سرمایه‌مالی بود با تسول به جناح‌های تبه‌کارانه‌ترین جنگها، در پی نابودی سوسالیسم و انقلاب و درسی‌انارت و برودگی تمام ملل جهان بود. در این نقطه، جنگ و مبارزه خلقها علیه فاشیسم فاشیسم مضمونی میبندی و ضد فاشیستی گرفت.

این جنگ از طرف جناح‌های تبه‌کاران و راهزنانی بود که اگر چه خود را مزورانه "ناسونال سوسیالیست" می‌نامیدند، ولی در واقع امپریالیست درنده‌خو بودند راهزنانی چون هیتلر اگر چه خود و حزب خویش را "ملت پرست" می‌نامیدند ولی حتی ترین جهان - خواران بوده و در پی انقیاد تمام خلقهای جهان و نابودی استقلال، دموکراسی و آزادی بودند. جنگ فاشیستی راهزنان بین المللی و طبقه‌مبارزانسی بین‌خطبری در مقابل خلقهای اتحاد جماهیر شوروی و تمام جهان قرار داد. رفیق استالین میگفت:

"جنگ بر ضد آلمان فاشیستی را نمیتوان یک جنگ معمولی شمرد. این جنگ تنها جنگ بین دو ارتش نیست. این جنگ در آن واحد جنگ کمپرنما ملت شوروی بر ضد نیروی امپریالیسم آلمان فاشیستی می‌باشد. مقدمات جنگ میبندی تمام ملت شوروی بر ضد جنگ را نفاست. به معنی بر طرف کردن خطری که متوجه کشور ما گردیده است می‌باشد. بلکه این جنگ مقدماتی رسا - ندن به ملت‌های اروپا را که در زیر ظلم و جور فاشیسم آلمان ناله می‌کنند نیز در بر دارد. در این جنگ آزادی بخش، مانگه و تنبها نخواهیم بود. در این جنگ عظیم ما در بخش ملت‌های اروپا و آمریکا و منجمله در بخش ملت آلمان که از طرف سر دهنه‌های هیتلری اسیر و مظلوم گردیده است، منفعین صادق و با وفا خواهیم داشت.

جنگ ما برای آزادی منبهن خود ما روزه ملل اروپا و آمریکا در راه استقلالیت خودشان در راه آزادی‌های دموکراسی نوا خواهد شد. این جنگ جنبه متحد ملت‌های را تشکیل خواهد داد که آنها طرفدار آزادی و بر فدا نارت و تهدید اسارت از طرف ارتش‌های فاشیستی هیتلر هستند." (جنگ کمپرنمی)

با گوش‌های مستعمر شوروی سوسیالیستی جنبه مبارزاتی گسترده‌ای در مقابل فاشیسم در سطح جهانی و ملی بوجود آمد. در طی ژوئیه ۱۹۴۱ تا ژوئن ۱۹۴۲ "جنبه متفقین" متشکل از شوروی، انگلیس و آمریکا تشکیل گردید و نیز حزب کمونیست شوروی و در آن رفیق استالین تمام خلقهای شوروی را به قیام علیه فاشیسم فراخواند و کلیه رشته‌های اقتصاد ملی، سازمان‌های حزبی، دولتی و اجتماعی هماهنگ

با جنگ عظیم میبندی سازمان یافتند. طبقه کارگر و نوده‌های دلاور شوروی تحت‌الوای برچم حزب کمسو - نیست و رفیق استالین متحد گردیدند تا فاشیسم را درهم‌شکنند. استالین گفته بود:

"همه انما لکران آلمانی را که به منبهن ما نجا و زگرده‌اند، تا آخرین نفر ما را بکشند." (بمناست ۲۴ سالگشت انقلاب کمپرن اکتبر - نوامبر ۱۹۴۱)

و خلقهای شوروی مضمم بودند تا کسب پیروزی کامل به پیش روند.

استالینگراد قهرمان و سقوط فاشیسم

ارتش نجا و زکا رهیلری در سال ۱۹۴۱ تا پشت دروازه‌های مسکو میسرند، ولی ارتش سرخ و پارتیزان‌های توده‌ای به فرماندهی سردار جنگی برولنا رسا

بسیار زرا را استالینگراد هما نظر که می‌دانیم آلمانی‌ها دیگر نتوانستند بحال بیابند". (راجع به جنگ کمپرنمی)

روند سقوط فاشیسم تا سال ۱۹۴۴ منجر به تارومار شدن نیروهای فاشیستی از خاک شوروی سوسیالیستی گردید و سپس ارتش سرخ شوروی به‌اری خلقهای اسارت فاشیسم شناخته و در آزادی‌ها ختن ملل دیگر نقش بسیار مهمی ایفا می‌نماید. ارتش سرخ نارت - دهنده آزادی تا درهم‌شکنندگی فاشیسم به پیش رفت و بالاخره ارتش هیتلری زیر ضربات سهمگین ارتش سرخ و پارتیزان‌های مسلح دیگر خلقها، در ۸ ماهه ۱۹۴۵ بلافاصله و شرط تسلیم شد. آری جنگ ضد فاشیستی با تکیه تمام پیروز شد و خلقها فاتح شدند!

پیروزی بر فاشیسم، دستاورد سوسیالیسم

جنگ کمپرن ضد فاشیستی رویداد عظیمی در تاریخ بشریت بود. در حقیقت پس از انقلاب اکتبر، پیروزی جنگ ضد فاشیستی نقطه عطف تحول عظیم دیگری در تاریخ سوخود آورد. اگر انقلاب کمپرن اکتبر اولیسن



سربازان شوروی سوسیالیستی برچم پیروزی بر فاشیسم را بر لای پارلمان آلمان هیتلری در برلین می‌افزایند.

کاف را در جنبه امپریالیسم بین المللی سوخود آورد، پیروزی ضد فاشیستی بخش مهمی از این جنبه را معدوم ساخت. در جریان جنگ دوم جهانی و پسند از آن، در کنار شوروی سوسیالیستی، جمهوری‌نوده‌ای آلمانی به پیروزی رسیده بود و در تمام کشورهای اروپای شرقی دموکراسی توده‌ای برقرار گردیده بود. علاوه بر این توافق عظیم مبارزات‌های بخش در یک سلسله کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بلند شده بود.

چرا فاشیسم شکست خورد؟ در واقع باید گفت پیروزی بر فاشیسم، پیروزی سوسالیسم بود. شکست فاشیسم نتوانست تا بی‌پایانی و قدرت تاریخی یک نظام اجتماعی نوین یعنی سوسالیسم بود. در صحنه جنگ ضد فاشیستی جدال اصلی، میان اتحاد

استالین، فاشیسم برای اولین بار شکست خنسی می‌دهند. در اواسط ژوئیه ۱۹۴۲ آلمان به استالینگراد حمله و میبند. بر فرمان استالین در ۱۹ نوامبر ۱۹۴۲ نیروهای سرخ شوروی به نیروهای سیاه فاشیسم بوش می‌برند و طی جنگی عظیم و بیرنگه دشمن را شکست مهلکی میدهند. پیروزی ارتش سرخ در استالینگراد برجسته‌ترین پیروزی در جنگهای بزرگ بود. استالین پیروزی تاریخی نشا نگر صحت استراتژی و تاکتیک جنگی استالین و نشا نه مقاومت جانانها و افتخار - آفرین توده‌های شوروی در راه دموکراسی و سوسا - لیسم بود. شکست ارتش هیتلری در این نقطه سر آغاز سقوط فاشیسم و طبعه‌های بشریت اروپا عمو - فاشیسم هیتلری بود و بقول رفیق استالین:

"استالینگراد فول ارتش فاشیست آلمان بود.

بقیه در صفحه ۱۴

جرا سازمان مجاهدین مقاومت و فبر انقلابی خلق کرد راتی میکند؟

هما نظور که در قیل گفتم ارتخا که تحلیلی
سازمان مجاهدین از قدرت سیاسی راستروانه و
لیبرالی میباید، ارتخا که این سازمان چشمبوسی
"بالائی ها" دوجناب و در بحبوحه مبارزه طبقاتی
جاری میان انقلاب و ضدانقلاب در برابر دولتیست
سورژوئی شده، از خود تزلزل نشان میدهد، بنابراین
این سازمان نمی‌تواند در برخورد به جنبش کردستان
دارای موضعی کاملاً لیبرالی و حرکتی انقلابی و
تمکینی نباشد و در حالیکه در برابر سورژوئی کریش
میکنند به خود را زدن جنبش خلق کرد سیرداد، ما فیصل
از آنکه موضع فعلی مجاهدین در رابطه با حکم جاری
در کردستان را مورد برخورد قرار دهیم، به مواضع
گذشته این سازمان در باره کردستان نگاه می‌کنی -
اندازیم - مجاهدین می‌گویند:

"مطلق کردن نماداً سیستم حاکم امری حاروا به
و نامعقول بوده و فیر بطور کلی سیاسی حراتخه
ترورهای بیوج فرمان سارمی آورد خواهد داشت
و اضافه می‌کند:
"نحوه برخورد ما مثالی از فیر کردستان /
پیوسته برای ما یکی از معیارهای امانت و
میروریت انقلابی و مردمی هر سیستم حاکم -
نظام فکری و حزب سیاسی بوده است -
(هنداری بپیرامون چه روی و جنبش ما!)

اولین نکته‌ای که باید بدان توجه نمود این
است که رهبری سازمان مجاهدین بر اساس ملاحظاتی
فرمت طلبانه خود این مسئله که حکم جاری جنگ کرد-
ستان را تحمیل کردند دستکوت می‌گذارد و لیبرالیست
منتاً به محکوم کردن "فیر بطور کلی" می‌پردازد.
ما می‌پرسیم پس از ما آیا اس ارتش فدخلقی
با فرماندهان مزدوری ما سندنردنی‌ها نبوده‌اند که
کردستان را با فاشیونیهای آمریکا بی‌خون‌کنند؟
آیا عوامل رژیم جمهوری اسلامی ما سندنردنی‌ها و
ظهورینزادهای مزدور نبوده‌اند که فتودالها را علیه
دفعان و انقلابیون کردستان مسلح نمودند؟ آیا
ارتش جمهوری اسلامی تحت فرماندهی جمرانیهای
آمریکائی و سپاهداران نبوده‌اند که تنها جرموم را
به کردستان شروع کردند؟ آیا این سپاهداران بر ما به
نبوده‌اند که مردم زمینکس و غیر مسلح را در "فارتنا" و
"قلانان" با نام عدالت اسلامی قتل عام کردند -
سازمان مجاهدین با بدینا صراحت جواب دهنده که چه
کسانی جنگ کردستان را شروع و تحمیل نمودند؟
مردم کرد و انقلابیون کردستان با عوامل مستقیم
امپریالیسم رژیم جمهوری اسلامی؟ مکرآیت الله
خمینی نبوده که با اعلام جهاد علیه خلق کرد تنوذه‌های
ناگتا را تحریک نمود و دستور بفرش ارتش به کرد-
ستان را صادر کرد؟ مگر در دوره خیرینی صدر مژور
نبوده که برای برقراری "امنیت" سورژوئی و حاکمیت
دولت ارتخا می‌حاکم دستور حمله گسترده به ارتش
و سپاه‌ها داران داد؟

سازمان مجاهدین لیبرال منتاً به مخالفت و
نفی اعمال قهر در کردستان می‌پردازد، ولی نمی -
گوید که چه کسانی این همه جنایات را علیه انقلاب
ایران آغاز کردند و چه کسانی خثون و فیرضدا انقلابی
خود را متوجه حتمکشان کردند نمودند. خلق کرد حق دارد

سازمان مجاهدین (۲) و جنبش کردستان

که در مقابل فیرضدا انقلابی هیئت حاکمه به اعمال فیر
انقلابی سیرداد. خلق کرد حق دارد که در برابر
نخا و زات و جنایات رژیم جمهوری اسلامی مقاومت
مسلحانه بکند. کسانی که این حق را نادیده گرفته و
با مردود میداند آت به آت با عدانقلاب می‌ریزند.
کسانی که با اعمال این فیر انقلابی مخالف می‌کنند
عمیق فیکر لیبرالی خود را به نمایش می‌گذارند. چرا
سازمان مجاهدین این حقایق را از چشم تنوذه‌ها
بسیان می‌کنند و در مورد کردستان بطور عریان ضد
انقلاب را انسانی کند و به حمایت فعال از جنبش
کردستان بلند می‌نویسند؟ سازمان مجاهدین با
صراحت تمام با بدینا این شتوالات در سطح جنبش
جواب دهد.

رهبری سازمان مجاهدین در حاشیای خود از
رژیم کنونی و در در فیر انقلابی دلاوران کردستان،
مبارزه مسلحانه خلق کرد را هم طراز ترورهای فرغان
فلمداد می‌کنند و نتایج مبارزه بر سر کوه خلق ستم‌دیده
را با نتایج ترورهای فرغان یکسان ارزیابی می‌کنند!

آنچه باید گفت این است که خلق ستم‌دیده کرد و
بسیان ولان آن به سبب ستمگرایی رژیم جمهوری
اسلامی و کشتارهای مکرری که این رژیم در آن خطه
برپا نمود، دست به مسلح‌سزده و به اعمال فیر انقلابی
روی آورد. خلق کرد میداند که خود مختاری کرد -
ستان را با بدینا زور بدست آورد. ارتخا جنگ را به
خلق کرد تحمیل کرد و خلق کرد بدینستی مسلحانه
جواب داد. خلق کرد نخواست "معموماً و تقریباً" کسی
جنایات رژیم حاکم شود، او با فاشی استوار در دفاع
از جنبش و سرافت خود، در دفاع از حقوق حقه خود و
کسب خود مختاری بلند و دوجبه بر کوه بر خاست و او
کردستان را به قلب کرم‌سزده انقلاب ایران تبدیل
نمود. این واقعیتی است که امروز ما رزه مسلحانه
کردستان، صدای برخورد یک خلق مضم در راه مبارزه
علیه ستم‌دالی‌ها و ستمگرها و کشتارهای هیئت
حاکمه و امپریالیسم است، این صدای ستم تمام
خلقهای ایران است و ققدر با بدینا و ما لیبرالی و
در فیکر کسب امنیت از سورژوئی غری بوده‌اند این همه
نکوه و این همه حقاقت را ندید، و ققدر با بدینا در کرسی
مفتوش و مد علمی دانست که این سزده بر سر کوه تنوذه‌ها
را هم طراز ترورهای فرغان فلمداد نمود!!

بعلاوه آیا آنطور که مجاهدین میخواهند و نمود
کنند نتایج مبارزه مسلحانه خلق کرد با نتایج
ترورهای فرغان یکسان است؟ در پاسخ باید گفت
اگر ترورهای فرغان راه منبروهای سیاسی - انقلابی
محکوم نمودند، مبارزه مسلحانه جاری در کردستان را
همه نیروهای کمونیست و انقلابی و نیز همه تنوذه‌های
آگاه ایران مورد حمایت و پشتیبانی خود قرار
دادند. حتی نیروهای متزلزل نیز نتوانستند این
مبارزه انقلابی را محکوم نمایند، هر چند از این
جنبش حمایت فعال نسر نمودند. فقط هیئت حاکمه
و نیروهای ارتخا می‌توانند حزب تنوذه و رنکسته ...

بودند که این مبارزه دلاورا نه را مورد بفرش قرار
دادند، نخطه و محکوم کردند و روشن است که این امر
ناشی از ما هیئت ارتخا می‌توانست، اگر ترورهای
فرغان به انفرادی انجام میداد، سزده مسلحانه خلق کرد
منحربه گسترش روز افزون حمایت تنوذه‌های آگاه گردید.
بر خلاف کوششی که رهبری مجاهدین می‌نماید
تا جنبش خلق کرد را حاروا به با بدینکفت دستاوردهای
این جنبش بسیار بزرگ بوده است. دستاورد جنبش
خلق کرد محدود به دفاع و پشتیبانی نیروهای مترقی
و تنوذه‌های آگاه و تکست، این جنبش، جنبش خلقهای
ایران را در زمینه‌های مختلف غنا بخشید، یکسار
دیگر در سزدها مت و ابسانا دگی آموخت، چهره ارتخا
را بیش از پیش بر ملاخت، در فرور بخش تنوذه
تنوذه‌ها نقش مهمی بازی نمود، ضربات سختی به
امپریالیسم و ارتخا وارد ساخت و امروز طلایه دار
انقلاب ایران است. رهبری مجاهدین این دستاورد
ها را نمی‌بیند، او لیبرال منتاً به فیرا دمیزند که
جنگ خلق کرد "تا معقول" و "حاروا" است و سخت
این عنوان که تنها بدینا در امانت سیستم حاکم "مطلق"
کرد و در پی توجه کوششهای معانات جوابا به خود با
سورژوئی است.

بلاخره سازمان مجاهدین مطرح می‌کنند که
"نحوه برخورد" به مسئله‌ای چون مسئله کردستان یکی
از معیارهای امانت و مشروعبت هر سیستم و حزاب
سیاسی است. سازمان مجاهدین منحن نمی‌کنند که
منظور از "نحوه برخورد" چیست و این مقوله دارای چه
مضمونی است. ولی اگر منظور این سازمان از این
مقوله حمایت با عدم حمایت از مردم کردستان و حل با
عدم حل مسئله خود مختاری کردستان باشد، در این
حالت ما از رهبری سازمان مجاهدین شتوال می‌کنیم
بین اریکال و سبب ارتخا کمیت رژیم جمهوری اسلامی
و نوع برخورد هیئت حاکمه به جنبش کردستان و خودبا
عدم وجود امانت و مشروعبت سیستم حاکم منحن
سزده است؟ آیا اریکال و سبب این جنایات این رژیم
در کردستان، با اریکال کردن خود مختاری، اعمال
ستم و کواکبه بر خلق کرد و استعمار و ستم و زده سزده
زمینکشان کرد، کافیتی نیست تا ما هیئت رژیم حاکم
روشن ندیده‌اند؟ آیا خلق دلاور کرد با مسازرات
انقلابی خود ثابت نگردند است که رژیم حاکم کما فدهر
کونه امانت و مشروعبت انقلابی و مردمی است؟ آیا
مجاهدین سزده‌اند که امانت مبارزه طبقاتی علیه
سیستم حاکم بر امانت و مشروعبت آن خط بطلان کشیده
است؟ رهبری سازمان مجاهدین واقعیتها را جاری
را می‌بیند ولی نمی‌خواهد فیر انقلابی سیستم حاکم
را از درون واقعیت سزده مبارزه طبقاتی و ملیتی
استخراج نماید. او نمی‌خواهد سزده خود را در امانت -
ای معانات جوابا به او بپورتونستی میباید.

بعلاوه اگر رهبری سازمان مجاهدین نوع برخورد
به کردستان را یکی از معیارهای امانت و مشروعبت،
انقلابی احزاب سیاسی حساب می‌آورد چرا خود
دارای برخوردی فعال و انقلابی نمی‌باشد؟ آیا ما
حق نداریم بگوئیم که عدم حمایت فعال از سازمان
مجاهدین از جنبش کردستان نه نشانه یک خط منحن
انقلابی و بیکبر، بلکه نشانه یک سیاست منحنی ای
راستروانه میباید؟ و آیا اگر جناحها این منحنی
راستروانه عمیق پیدا کنند، امانت انقلابی این
سازمان زیر علامت شتوال نخواهد رفت؟
(ادامه دارد)

رژیم جمهوری اسلامی و جنبش دهقانی

- دولت موقت و شورای انقلاب کوشیدند تا با طرح " واگذا ری اراضی موات و بیابانها را از اراضی دایر و حاصلخیز زمینداران و سرمایه داران ارضی متوجه بیابانها سازد . بدین منظور وزارت کشاورزی که ریاست آن با ایزدی زمیندار بزرگ فارس بود ، شروع به ایجاد کمیسیونهای پنج نفری در سطح استانها نمود .
- اوج گیری جنبش دهقانی و فشاری که از یازنین به دستگاه خاکمه وارد میشد باعث شکاف در هیئت خاکمه بر سر مسئله ارضی گردید . دولت که طی یک دوره تنها به سیاست سرکوب متوسل شده بود ، مجبور به تعدیل سیاست ارتجاعی خود و در پیش گرفتن یک سیاست رفرمیستی گردید . طبیعی است که سرکوب خود جز " جدایی ناپذیر سیاست رفرمیستی است .
- رضاصفهانی در حالیکه مالکیت فئودالی را حرام میدانند در عین حال احکام اسلامی مزارعه و مساقات را که از بقایای نظام ظالمانه فئودالی است قبول دارد : او در مصاحبه خود میگوید : "... آیا (او منظور مالک زمین است) میتواند زمین خود را تحت شرایطی به دیگران واگذازند یا بدی که آنها از آن بهره برداری کنند و در برابر این واگذاری چند درصدی با محصول آن شریک شود ؟ جواب اینست که از نظر اسلام تحت شرایطی چنین کاری میتواند مجاز باشد ."

قانون اسلام چیست ؟

رضاصفهانی در حالیکه مالکیت فئودالی را حرام میداند در عین حال احکام اسلامی مزارعه و مساقات را که از بقایای نظام ظالمانه فئودالی است قبول دارد . او در مصاحبه خود میگوید : "... آیا (او منظور مالک زمین است) میتواند زمین خود را تحت شرایطی به دیگران واگذازند یا بدی که آنها از آن بهره برداری کنند و در برابر این واگذاری چند درصدی با محصول آن شریک شود ؟ جواب اینست که از نظر اسلام تحت شرایطی چنین کاری میتواند مجاز باشد ."

رضاصفهانی در حالیکه مالکیت فئودالی را حرام میداند در عین حال احکام اسلامی مزارعه و مساقات را که از بقایای نظام ظالمانه فئودالی است قبول دارد . او در مصاحبه خود میگوید : "... آیا (او منظور مالک زمین است) میتواند زمین خود را تحت شرایطی به دیگران واگذازند یا بدی که آنها از آن بهره برداری کنند و در برابر این واگذاری چند درصدی با محصول آن شریک شود ؟ جواب اینست که از نظر اسلام تحت شرایطی چنین کاری میتواند مجاز باشد ."

ملاحظه می کنید چگونه این مستشار اطلاعات ارد اسلامی حتی مزارعه و احوال نکال عقب مانده وقتشودال استعمار زحمتکاران روستا را نیز مجاز اعلام میکند . این چیزی نیست جز شکل دیگری از همان مناسبات ارباب - رعیتی (مناسبات فئودالی) که مالک زراعت با رعیت رملک زمین بخش مهمی از محصول کار روزگار تولیدکنندگان زحمتکار را منصرف می نمود و آنرا استعمار میکند .

بالاخره بعد از مدتی در ۱۱/۱۲/۵۹ دولت اعلام کرد که طرح صفهانی پذیرفته شده و اصلاحات ارضی انجام خواهد گرفت .

طرح تصویب شده واگذاری زمین های با زمینداران و نیز زمینهای ارضی زمینهای دایره ای از آنان خریداری میشود ، به دهقانان و کسانیکه امر کار و روزی به سرمایه گذاری می پردازند ، مصلحتی نمیداند .

این طرح ترکیبی بود از " لایحه زمینداری " دو - بازرگان و طرح رضاصفهانی که تغییراتی بنفع زمینداران در آن صورت گرفته بود .

بهنستی بعد اعلام کرد : " در طرحی که در شورای انقلاب به تصویب رسیده است تمام معیارهای فقه اسلامی در نظر گرفته شده و طرح آقای رضاصفهانی با

جز " جدایی ناپذیر سیاست رفرمیستی است . در همان حال که با راهی از عمارت دولت (پس از کنار رفتن بازرگان) از اصلاحات ارضی سخن می گویند ، " شورای انقلاب " (۱۳ روز پس از اولین مصاحبه رضاصفهانی) قانون " اعدا مبرای تاج و زمیلمحانه به اموال و اراضی دیگران " را تصویب میکنند و ارتش و سپاه پاسداران رژیم در کنار زمینداران بزرگ کسب به سرکوب و حشیا نه دهقانان ترکمن محروم دست میزند . تحت شرایط رشد و اعتدالی فزاینده جنبش دهقانی طرح جدیدی توسط رضاصفهانی پیشنهاد شد . این طرح عملاً همراه با مناسبات و سرکوب اقدام انقلابی دهقانان برای مصادره اراضی ، با پیشنهادی دیرخسی محدودیت های برای مالکیت های بزرگ میخواست . مسئله ارضی را بمنظور دفاع از بورژوازی حاکم و حفظ منافع سرمایه داران و زمینداران با دادن امتیازاتی به ارضی و مرفه دهقانی حل کرده و جنبش توده ای را فروبندانده .

رضاصفهانی از " مصادره زمینهای ملاکین " و " حمایت از دهقانان بی زمین و کم زمین سخن بمان آورد ، ولی بلافاصله به دهقانان هشدار داد که خود - سرانه اقدام نکنند . طرح رضاصفهانی به مسدود زمینداران و بورژوازی ارتجاعی که سبب تکرمناضع آنان بودند خوش نیامد .

زمینداران بزرگ فارس تحت عنوان " شورای کشاورزی " قطعنامه ای صادر کرده و بندت به مخالفت برخاستند و از طریق روحانیون و ائمه بخوده فعالیت برداشتند . روز دوشنبه ۱۹ آذرماه ۵۸ نامه ای از طرف " شورای کشاورزی تهران " در مخالفت با طرح رضاصفهانی ، خطاب به آیت الله خمینی انتشار یافت (اطلاعات ۵۸/۹/۱۹) این فشارها خرد بورژوازی رفرمیست را وادار به عقب نشینی ساخت ، رضاصفهانی دیگر از مصادره اراضی مالکین زمینداران بلکه از مصادره زمینهای نامشروع سخن بمان می آورد می گوید : " اراضی کشاورزی که به غلط واژرا نامشروع بدست بعضی افراد افتاده است مصادره خواهد شد " . (اطلاعات ۵۸/۱۰/۲۰) و این بار بجای " اصلاحات ارضی واقعی " از " اصلاحات ارضی اسلامی " سخن می گوید : " اصلاحات ارضی اسلامی بر مسیبتای سعالیم اسلام و قانون قرآن بنا شده است " .

هنوز دو ماه از روی کار آمدن " دولت موقت جمهوری اسلامی " نگذشته بود که این دولت با تصویب " لایحه قانونی جلوگیری از حاکمیت فئودالیسم و تصرف عدوانی و مزاحمت و مناسبات ارضی نسبت به ملاک و اراضی مزرع و شهری و باغات و قلمستانها و مناسبات آب و موسسات کشاورزی و مناسبات مدارس و واحدهای کشت و صنعت واقع در محدوده و خارج از محدوده شهرها و روستاها " وظیفه خود را که خدمت به زمینداران و سرمایه داران بود رسماً اعلام داشت . آری ، از بدینکاه دولت بورژوازی بازرگان خواست انقلابی دهقانان و زحمتکاران روستا برای مصادره اراضی زمینداران و سرمایه داران ارضی ، تاج و زمینداران و تصرف عدوانی محسوب میشود و این زمینها حق زمینداران !

خرد بورژوازی رفرمیستی و روحانیت نمابنده آن نیز سبب به ما هیت طبقاتی خود که در دفاع از مالکیت خصوصی مقدس با بورژوازی هندستان است ، سیاست ماز و حماست از زمینداران را در پیش گرفت . با همین سیاست ارتجاعی است که دستگاههای سرکوب رژیم ، ارتش ، پاسداران ، سپاه پاسداران و کمیته ها در گوشه و کنار سرکوب ، هر جا که دهقانان و زحمتکاران روستا برای رهایی از یوغ مالکین و سرمایه داران ارضی بخواهند در زمینهای خود که عمری با عمری جیب آب داده بودند از جنگال مالکین بدر آوردند ، برای سرکوب آنها وارد عمل شده و کاه سروری دهقانان و زحمتکاران روستا آتش کشیدند .

ولی جنبش توده های زحمتکار روستا آتش نبود که با تهاقی حقیقهدان انقلاب خاموش گردید . دولت موقت و شورای انقلاب کوشیدند تا با طرح " واگذاری اراضی موات و بیابانها را از اراضی دایر و حاصلخیز زمینداران و سرمایه داران ارضی متوجه بیابانها سازد . بدین منظور وزارت کشاورزی که ریاست آن با ایزدی زمیندار بزرگ فارس بود ، شروع به ایجاد کمیسیون های پنج نفری در سطح استانها نمود . بدین منظور وزارت کشاورزی که ریاست آن با ایزدی زمیندار بزرگ فارس بود ، شروع به ایجاد کمیسیون های پنج نفری در سطح استانها نمود .

ولی جنبش دهقانی با این تشیقات دولتیست فروکش نمیگردد ، عمارت دنا آگاهان دهقانان نسبت به رژیم هر روز بیشتر از پیش سلب میشود و آنرا به معادله انقلابی و مستقیم ملاک زمینداران دست میزنند . این جنبش بویژه در مناطقی که با جنبش ملی خلقها پیوند یافته بود ، هر روز اعتدالی بیشتری می یافت و دهقانان به تشکیل شوراها و تاج و زمینهای دهقانی برداشتند . اما به بحران انقلابی جامعه ماسارزات نوده ها و توسعه و تعمیق آن موجب شکاف بیش از پیش در هیئت حاکمه و سیاستهای متناقض آنها در مقابل با جنبش توده های زحمتکار وادامه انقلاب گردید . در رابطه با مسئله ارضی نیز واگیری جنبش دهقانی و فشاری که از یازنین دستگاه خاکمه وارد میشد باعث شکاف در هیئت حاکمه و سیاستهای متناقض آنها در مقابل با جنبش توده های زحمتکار وادامه انقلاب گردید . دولت که طی یک دوره تنها به سیاست سرکوب متوسل شده بود مجبور به تعدیل سیاست ارتجاعی خود و در پیش گرفتن یک سیاست رفرمیستی گردید . طبیعی است که سرکوب

در میتینگ روز دوشنبه ۵۹/۲/۲۹، از شهدای دانشگاه و کردستان تجلیل شد



سخن گفت. وی گفت که افتخار می‌کنم "دوفریزند کمونیست من در راه خلق شهید شدند". هر چند صحبتش کوتاه بود ولی کلام کوبنده اش شور خاصی به مراسم بخشید، بطوریکه جمعیت بنیاداً سه و با شعار "درود بر شما در قهرمان" متابعیتش کردند. یکی از رفقای سرگزا رکننده فیرا دیر آورد: "ما در راه، ما در هر که در هر گوشه و کنا رمیهم و جهان در راه راه‌های خلق میرزمد فرزندتس!

بعد از خواندن قطعه شعری در تحلیل از مبارزات خلق کرد، قسمت‌های از نوار تکثیر شده توسط دانشجویان - بان و دانش آموزان هوادار سازمان بیکار بخش شد. این نوار بخشی از کلمات سران ارتش در کردستان بود. در آن قسمت می‌شنیدیم که چگونه فرما شده مزدور دستور مرکز (مباران) منطبق بر جمعیت سنج را ما در می‌کنیم. سپس رفیق سرگزا رکننده در تحلیل از رفیق شهید مودن گفت که رفیق در موقع نبرهان از اجازت‌دهنده‌ها پس را بسند و خود فرمان آتش صادر کرد. آری، این چنین است روحیه رزمنده یک رفیق کمونیست هنگام مرگ. نا مرفیق نیز به خانواده‌ای خوانده شد. نا م‌های که نشان از روحیه عالی رفیق در دوران اسارت می‌کرد و در حین پیراهنش در حالیکه به خون آغشته بود بدست خانواده اش رسید.

مکس‌های مزاج و حما قدران حزب اللّهی همچون گذشته از آغاز میتینگ کلوپشان را پاره می - کردند و فمده‌خراکی‌ها را داشتند. ولی با وجود میمیا‌نهایی رادبو، دروغ‌پیرداری از جمهوری اسلامی و اطلاعیه وزارت کشور بعد از فوکنان کمتر از همیشه بود. آنها بعد از مدتی که فرهنگ جمهوری اسلامی را بنمایش گذاشتند شروع به تعرض و برتاب سبک کردند. جمعیت حاضر بعد از مدتی مدارا، نا کپان دست سبک حمله زده و آنها را فراری دادند.

ضمناً یاد آوری کنیم که در تبلیغات علیه این میتینگ، سوده‌های های مزدور، نقش فعالی داشتند. آنها اطلاعیه وزارت کشور بزرگ کرده و در جها راهها ایستاده بودند. البته این معامله متقابل بود چرا که لحن نامه جمهوری اسلامی نیز اطلاعیه این نوکسر کوچولوها - دانشجویان "دمکرات" را در مورد جلوگیری از این میتینگ ۱۱ چاپ کرد.

روردوسه ۵۹/۲/۲۹، بنا به دعوت دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر و هواداران سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر کرده کنسیری از مردم در جلوی دانشگاه حقوق به منظور بزرگداشت شهدای دانشگاه و کردستان اجتماع کردند. در محوطه بلاکارها شای با طرخی از شهدای اهواز و کردستان (رفقای شهید شیخی، زرنی، مودن و معتمدی و رفیق عباسی) و مضامین مختلفی چون "کسنا ز، مبارزان، ما همراهاتما دی خلق کردستان - دهنده ما هیت رژیم است" تحم می‌خورد.

مرد میا د شهیدان در خون تنیده خلق و شهدای اخیر حوادث دانشگاه کردستان بنا خاسته و سوا منتهای کره کرده یک دقیقه سکوت کردند. سپس سرود پیغمبر گشته خوانده و سپس با مشترک دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان بیکار و هواداران سازمان رزمندگان در فضای حماسیات رژیم و تجلیل از قهرمانانهای رفقای شهید در دانشگاه و کردستان فرا شت شد. سپس جمعیت با شعار بانان نوظه‌های از تراجاع و آمریکا را محکوم ساختند: "سکوب در کردستان، گشتار در دانشگاه، نوظه - ارتجاع، نوظه آمریکا"، "کردستان، دانشگاه پیوندستان مبارک"، "ما زش، نه تسلیم، سیردبا آمریکا".

پس از فرا شت بنا سازمان رزمندگان نوبت به سخنرانی مادی قهرمان رسید. مادی که دوفریزند کمونیست و دلاور خود را در راه خلق از دست داده است. محمدبا فرعی‌سی را در دوره رژیم سفورشا هتتاهی و محمدبا فرعی‌سی را در رژیم جمهوری اسلامی، مادر با دشتی گرفته، اما روحیه‌ای عالی در مورد دوفریزندانش

زنده‌دهقانان و زحمکنان روستا رسوا نموده و در عمل به آنها می‌آموزد که نمی‌توان و بنا بد فریب دولت بورژوازی و وعده وعیدهای دروغین خرده بورژواژی را که بان خدمت میکند، خورد، سوده‌های زحمتکش روستا در مدت یکسال و چند ماه گذشته به تجربه دریافته - اند که دولت جدید و شورای انقلاب همیشه مدافع زمینداران و سرمایه‌داران بوده اند و این دهقانان بوده اند که به آنها مختلف با شهید و سرکوب و وعده‌های دروغین از حق انقلابی خود در معادله راه‌های محروم و باز داشته شده‌اند.

زحمتکنان روستا هر چه بیشتر به حقانیت این امر پی خواهند برد که تنها اتحاد کارگران و دهقانان تحت رهبری کمونیست‌ها این مدافعان راستین و پیگیر انقلاب و منافع زحمتکنان می - توانند به خواست خود دست یابند. تنها با اتکا به نیروی عظیم توده‌های زحمتکش و بیکار مستقیم و انقلابی زحمتکنان روستا در معادله راه‌های زمین - داران بزرگ و فئودالها است که میتوا نند دهقانان

تعمیراتی و سایر نظریات جمعیتی نظرات فقها به تصویب رسیده است. (اطلاعات ۵۹/۱/۷)

بلافاصله مخالفت وابستگان و سخیوکیان ارتجاعی زمینداران آغاز شد. در ۵۹/۱۲/۱۶ آیت اللّه سید مادی روحانی گفت که تصویب اصلاحات ارضی سوسله شورای انقلاب حرام است و هرگونه مصا دره با سستی از راه شرعی انجام نبود.

آیت اللّه قمی سزخا طرح مخالفت با این طرح خود را نزد آیت اللّه خمینی رساند و از سازمانی - مملکتی که عمداً منظورش همین طرح بود سبک داد؛ ابتدا دگر، بدینا ل این مخالفتها، بنا مسوروزی آیت اللّه خمینی سز که در آن دهقانان و زحمتکنان روستا سزخا طرح مادی در زمین‌ها مورد شهید ترا رکننده بودند، همداری بوده آنها که با ارتکاب خود در از سر نکتند.

نکل تنها سز لایحه اصلاحات ارضی که در نا رسب ۵۹/۲/۲۷ اعلام کردید ما تعمیراتی که در آن داده شده است را بنیازمیل با منافع زمینداران و سرمایه - داران ارضی تطبیق داده‌اند. بموجب این لایحه مجریان طرح در محل یعنی "هتت‌های ۵ نفری" از مقامات دولتی خواهند بود. استاز زمینهای دولتی و زمینهای با بیروموا ت به دهقانان و کسانیکه بخوانند در امر کسورزی سرمایه‌گذاری کنند داده خواهد شد. فقط در صورتیکه لازمند "از زمینهای دایرو آبا در زمینداران واکذا رخوا دهند. زمینداران می - توانند چندین برابر دهقانان زمین در اختیار داشته‌باشند و معاد را اما هیر آن در صورتیکه "لازم تشخیص داده‌شد" مصا دره نشده بلکه از آن خریداری خواهد شد.

هما نظیر که قبلاً گفتیم بنا با اعلام شده دولت استجا مرفرم ارضی در جارجوب منافع سرمایه‌داران است و حتی اشکال عقب افتاده و نیمه فئودالی استثمار زحمتکنان روستا نیز ما رسمرده‌ده‌ده است. این رفیق مویط دستکای بوروکراتیک (اداری) دولتی که طبقه در جارجوب منافع صاحبان زور و عمل میکنند، بیاد خواهد شد.

سرکوب دهقانان و زحمتکنان روستا جزء جدانشدنی نا پذیر این سیاست است. طبیعی است که جنبش سیاسی هرگز نمی‌تواند فقر و فلاکت اکثریت توده‌های دهقانان را از بین برده و به خواست توده‌های زحمتکش روستا پاسخ دهد. بویژه اینکه حتی تعدیل در مالکیت زمین در نظامی که سرسلطه سرمایه‌ستوار است نخواهد توانست فقر توده‌های عظیم روستا را علاج نماید.

دهقانان تنها در اتحاد با طبقه کارگر و بورژوازی جمهوری دمکراتیک خلق در امر مبارزه با استثمار بوروکراتیک (اداری)، بقایای بهره‌کشی فئودالی سلطه سرمایه و ورها شای از فقر و توفیق خواهند یافت. نه بورژوازی و نه خرده بورژوازی هرگز نمیخواهند و نه میتوانند مسئله ارضی را کاملاً و بسود توده‌های زحمتکش روستا حل نمایند.

اختلافات درونی هیتت‌ها که به سر مسئله زمین عقب نشینیهای جناحها و عناصر طرفدار اصلاحات ارضی سازش این عناصر با بقایای مناسبات فئودالی و زمینداران، ما هیت بوروکراتیک (اداری) و سرکوب - گرمانه این اصلاحات و با لایحه تغییرات بی درسی در همان لایحه اصلاحات ارضی و تطبیق هر چه بیشتر آن، با منافع زمینداران و سرمایه‌داران بزرگ، همه و همه دولت و کلیه جناحها و عناصر آنرا پیش از پیش در

زحمتکنان را از بیوع ستم‌زمین‌داران و از استثمار و ستم سرمایه‌داران و از بیوع دستکای روستم بوروکراتیک دولتی راهائی بختد.

دهقانان ما در بسیاری نقاط با تجربه مستقیم خود با همکاران و اتحاد عمل دست به مصا دره ارضی زمین‌داران و مالکین بزرگ زنده و با ابحا دشورا - های دهقانی و اتحادیه‌های دهقانی مشترک با سز کاشت و داشت و برداشت پیدا کنند. در این مورد شوراهای ترکمن محرومان و اتحادیه‌های دهقانی - کردستان نمونه‌های برجسته‌ای هستند. این تجربه‌ها می‌آموزد که دهقانان زحمتکش تنها با اتحاد عمل خود با ابحا دشورا و دهقانی و اتحادیه‌دهقانی و با مصا دره مستقیم ارضی ای که حفاً متعلق به آنها است و توسط سرمایه‌داران و زمینداران و مالکین فئودال تصاحب شده است میتوا نند به حقوق خود دست یابند. بدون شک هر قدام انقلابی دهقانان از طرف تمام کارگران مبارز و نیروهای انقلابی و کمونیست - مورد حما بت فرا رخوا همدگر رفت.



ندارتك صلح، با افزایش هزینه نظامی امپریالیستها

برگزار نمودند و این عمل را بعنوان گام مهمی در خلع سلاح معرفی کردند.

اما واقعات برخلاف این تبلیغات چیز دیگری را نشان میدهد: یکی از مقامات رسمی "پنتاگون" اخیراً اظهار داشته است که بودجه جنگی آمریکا برای سال ۱۹۸۱، ۵۰٪ افزایش خواهد یافت، به علاوه اضافه سه کرد که چنین افزایشی برای همبیمانان امپریالیسم آمریکا ضروری است و در همین رابطه قابل ذکر است که امپریالیسم ژاپن در سابقه جنون آسای تسلیحاتی شرکت کرده و اخیراً تصمیم گرفته ۹ میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار هزینه نظامی سال جاری خود را سه ۱۲ میلیارد دلار برای سال ۱۹۸۴ برساند. برای تحقق این امر یعنی افزایش فوق العاده هزینه نظامی از این امپریالیسم آمریکا ارتکاب های نظامی به این کشور در پی نخواهد کرد. امپریالیسم آمریکا در پی مساطق رقابت با سوسال امپریالیسم شوروی است، تا حد ممکن بر قدرت با شد.

بلندگوهای تبلیغاتی و ارتجاعی و امپریالیستی پیوسته صحبت از "برقراری صلح و آرامش" میکنند و دولت های نجا و زکار را حامی خلقها معرفی می نمایند، حال آنکه در همان زمان هزینه های تسلیحاتی کشورهای امپریالیستی گسترش می یابد، بعنوان نمونه در سال ۱۹۷۹ هزینه های نظامی در سطح جهان به رقم سابقه ۴۵۰ میلیارد دلار رسید که با صدگفت بیش از نیمی از این مبلغ متعلق به امپریالیسم آمریکا و سوسال امپریالیسم شوروی است و با اضافه نمودن که کرایس آتک تسلیحاتی همچنان ادامه میابد مسابقه تسلیحاتی در پایان قرن حاضر بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار در سال را بخود اختصاص خواهد داد.

امپریالیستها صحبت از "خلع سلاح"، "تشنج زدن" و "ندارتك صلح" می کنند ولی هرگز نمیآید فراموش کرد که آنان در همان زمان جنگی جدید و آزمندانه بر ضد استقلال و آزادی خلقهای سراسر جهان ندارتك می نمایند.



نمی رسد که خلق بیباکانه کورتا و ازگونی این رژیم وابسته به آمریکا و نیل به وحدت شمال و جنوب از پای بنشینند.

امپریالیستها آمریکا بی تکلیف به تکلیف افتاده به جمهوری دموکراتیک خلق کره جهت "عدم مداخله در امور کره جنوبی" اخطار کرده اند و معروف کورا - سی را بسوی آنها کرده گسیل داشته اند. با سید از امپریالیستها ای چنانکه بر سرید: کی خلقهای بیباک خاسته از نیروی سرکوبگر دشمن ترسیده و دست از مبارزه کشیده اند؟!

اخیراً در وین (اتریش) نمایندگان دو بلوک تجا و زگرنا توو پیمان و وزش بر سر صلح کا هشت دستجات و تسلیحات در اروپای مرکزی کنفرانسی

در کره جنوبی هم زمین زیر پای آمریکا می لرزد

- جنبش جوانان و دانشجویان انقلابی کره جنوبی با اعتراضات کارگری و اعتراضات توده ای پیوند خورده است.
- دانشگاه در کره نیز مثل هر جای دیگر سنگرزادی است و نبرد هجوم ضد انقلاب.
- سلاحهای در جریان قیام بدست مردم افتاده که سازشکاران میکوشند آنرا از دست مردم بیرون آورند.

نیروهای سرکوب و "انگشتش" با گاز اشک آور و درگیری های گه در روزهای اول متحرک به کشته شدن یک پلیس و تعداد زیادی زخمی از طرفین گردید، به مقابله با نگاه کنندگان رفتند. هم اکنون دوهزار تن از افراد پلیس، دانشگاه را در شمول در محاصره دارند و ۱۸۰ تن از رهبران نگاه هرات در همان روز اول و در حالیکه جلسه ای تشکیل داده بودند دستگیر شدند. مدارس تعطیل شده اند. حالت فوق العاده از سوی رژیم رتجای اعلام شده اما جنبش همچنان بر توان به پیش می رود.

در ۲۹ اردیبهشت درگیری های سختی میان نگاه هرات کنندگان و دستجات نظامی رژیم که برای برانگیزیدن ساختن نگاه هرات گسیل شده بودند، در گرفت و در همین حال هلیکوپترها بر فراز نگاه هرات کنندگان به پرواز درآمدند. به نیروهای سرکوبگر کمک می رسانند. شمول و شهرهای دیگر بصورت پایگاه نظامی در آمده است. حدود ۲۰ هزار نفر به این شهر فرستاده شده که مجموعاً تعداد نیروهای نظامی را به ۴۰۰۰ نفر رسانده است. تجهیزات دیگری مانند تانک و خودروهای زرهی به شمول فرستاده شده است.

تعداد زیادی از مبارزان زمین دستگیر شده اند. ولی با وجود هجوم ترس و وحشت، دانشجویان و زمینکنان کره جنوبی به مبارزه خود ادامه میدهند و بنحوی که در حال حاضر ۱۶ شهر در تصرف خود قرار داده اند و رژیم را کاملاً ملاحضه ساخته اند. آنان منجمد ندانند و بیروزی نهائی به پیش روند. مردم خود را با رنج و حکومت نظامی هستند که ۷ ماه است ادامه دارد. مردم نسبت به خفقان و عدم وجود آزادی های دموکراتیک اعتراض دارند. مردم خواهان برکناری نخست وزیر و رئیس با زمان اطلاعات و امنیت هستند. این نگاه هرات سیاسی امروز پس از اعتماد کارگران در معدن ذغال سنگ در شهر سا بوک واقع در جنوب آغاز شد و این امر پیوند میان جنبش کارگری و دانشجویان انقلابی و دیگر اقشار خلقی را نشان می دهد.

جنبش اعتراضی که رژیم وابسته با کم و ربا بیان آمریکا شش ماه هدف قرار داده است آنقدر اوج گرفت و عمق یافت که بصورت یک قیام توده ای در شهر کوانگ جو درآمد. در این قیام خونین تا روز پنجشنبه بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ نفر از خود را از دست داده اند. تعداد زیادی اسلحه در نتیجه سقوط پا دگانهای ارتش بدست مردم افتاده که با طرهای نظیر قیام پرتگال و همین ایران را در ذهن هار زنده میکند. هم اکنون سه تلافی از سوی برخی نیروهای لیبرال و ضد انقلابی صورت میگیرد تا بهره ای از مردم مسلح را به تحویل سلاحها نشان ترغیب نمایند. اما بنظر

در کره جنوبی نیز امپریالیسم آمریکا در فرو می ریزد. ضربات سیاسی جنبش ای یکی دیگر از دژهای نظامی امپریالیسم آمریکا در جهان را هدف قرار داده و بنویسید بیروزی خلق در این نقطه از جا و دور طنین انداز است.

هفته گذشته ما هدا عملاً جنبش انقلابی خلق کره جنوبی سوسیم شبه جزیره کره که از لحاظ نظامی و اقتصاد برای امپریالیستها بسیار مهم است طی قرن گذشته در معرض حملات سیاسی امپریالیستهای ژاپنی و آمریکایی بوده است و خلق کره به تکامل مختلف در برابر آنان و رژیمهای دست نشانده شان مقاومت ورزیده است. مبارزه انقلابی علیه تجا و زکاران ژاپنی و نیز علیه امپریالیسم آمریکا طی دهها سال طول کشید و سرانجام در سال ۱۹۵۲ آمریکا - شپها شکست مفتضحانه ای را در کره تحمل کردند. خلق کره بر رهبری کمونیستها که در "حزب کار" متشکل بودند جنگ انقلابی را پیروزمندان به پیش برد و در این راه بویژا در حمایت بیدریغ خلق جین سرخوردار بود. بعدها در توازن قدرت بین انقلابیون و نیروی جهانی امپریالیستی آمریکا که کره به دو قسمت شمالی و دوسوی تقسیم شد:

جمهوری دموکراتیک خلق در شمال و رژیم سیسی دست نشانده آمریکا در جنوب. رژیم سرسپرده جنوب منکی بر قدرت سرکوبگر ارتش که از رتبا با سوسیله آمریکا شان مسلح و متذبه میشود مستقر گردید و برای چندین رژیم و سیزدهای نقش سرکوبگرانه و تجا و زکارانه آن هزاران سرباز آمریکا و ناوگانهای دریا بی پنتاگون در منطقه حضور خود ادامه دادند. علیرغم انواع فشارها که به خلق کره در جنوب وارد آمده مبارزه بیگبیرانه توده ها ادامه یافته و دانشجویان انقلابی و کارگران، نقش بیشتا زانه ای را در این میان سعه داده شده اند. مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی در بخش جنوبی کره، در عین حال که مورد حمایت شمال قرار داشته اساساً متکی بر خود راه نموده است.

از ۷ ماه پیش که حکومت ۱۸ ساله پارک چونگ هی با ترور و به پایا رسید، رژیم ضد خلقی کره جنوبی دجا در نسوا رسیهای روز افزونی شده است. نگاه هرات اعتراضات گسترده بوده ای در هفته گذشته اوج خود رسید و جوانان و دانشجویان در آن نقش بیشتا زانه ای را ایفا کردند.

دستجات آزادی دشمنان انقلابی و آگاه که گاه تعدادشان به ۳۵ هزار نفر می رسد نگاه هرات گسترده ای را علیه رژیم وابسته به آمریکا کره جنوبی برآه انداختند.

بقیه از صفحه ۷ پیکار ...

سال آنها بوجودنیا ورده است. با سداران و نظا میان برای مردم سندنج، بروج، نان و... آورده بودند، اما با عدم قبول مردم مواج شده و در بکا رستن این حبله جواب دندان شکنی در یافت داشتند، آنجا تکسه ببرزنی برنجی را که با ساری میخواست به او بدهد به عقب زدومشتی خاک از زمین برداشته بدهان گذاشت و گفت: "من این خاک را میخورم اما به برنجی که شما آورده اید، لب نمی زنم!!"

شنبه ۵۹/۲/۲۷

شلیک رگبار بسوی ماشین مسافری

یک ماشین مسافری که از سونگان عازم سفیر بود، زیر رگبار گلوله های با سداران و ارتش قرار گرفت که در نتیجه جندتن از سرنشینان آن محجوج شدند.

روز بعد ستا ریح ۵۹/۲/۲۸ سندنج با ردیگرنا هد حمله قهرمانانه پیشمرگان کومه له به سادگان افسران بود. پیشمرگان رزمنده شجاعانه به قلب دشمن حمله کرده و پس از وارد کردن خساراتی به ساختمان سادگان و نیروهای درون آن عقب نشینی نمودند. با سداران و ارتش کماکان برای یافتن پیشمرگان به خانه کردی ادا میدادند، اما در هر بار، با مقاومت و نفرت ساکنان دلیر خانه مواجه شدند.

دوشنبه ۲۹ اردیبهشت

تهاجم به مریوان، ارسال کمک به سندنج

امروز شهر مریوان مورد آماج بورش وحشیانه ارتش و با سداران قرار گرفت. نیروهای سرکوبگر رژیم، قسمت شرق شهر سیلورا با حمله موردتهاجم قرار داده بودند، اما مقاومت پیشمرگان رزمنده کومه له، مانع از پیشروی آنها بداخل شهر گردید. در همان حال فضای شهر سردشت آکنده از فریادهای همدردی و همبستگی اهالی این شهر با مردم قهرمان سندنج بود. مردم سردشت برای عملی نمودن همدردی خود کمک های مالی داروئی و غذا شیی فراوانی جمع آوری نموده و به سندنج ارسال داشتند.

پهادی کردن چترهای بوسیله هلیکوپتر

در آخرین روزهای اردیبهشت ماه، درگیریهای پراکنده در سندنج و با نهادامه داشت. در این روزها طبق اخبار واصله، ستون اعزامی رژیم هنوز به پناه نرسیده بود و با دگان شهر پناه گمان در محاصره پیشمرگان رزمنده قرار داشت. در همان حال مزدوران ارتشی در ارتفاعات کوه "آریا" بوسیله هلیکوپتر تعدادی چترهای زیبا ده کردند، اما آنها در محاصره پیشمرگان قهرمان قرار گرفتند و طی یک درگیری ۴ نفر از چترها زان کشته و ۱۱ نفر از آنها بدست پیشمرگان اسیر شدند.

سندنج نیز تا هوشیخون پیشمرگان به ارتش و با سداران در نقاط مختلف شهر بود.

پیکار دلیرانه پیشمرگان در شهرهای مختلف کردستان در هفته گذشته نشان داد که خون سرخ انقلاب هنوز در رگهای کردستان جاری است و کردستان قهرمان همچنان با برجا به نبرد خونین خود ادامه خواهد داد.

بقیه از صفحه ۷ مگالما ...

دستور فرمانده برای کشتن مردم بی دفاع

فرمانده: من شهرداری بودم از آنجا... با پیدا ز زمین عمل کند.
زبردست: بگویم آدم با پیدا سلامی رفتار کند کما ملا طرف مسلح را بکشد طرف بیگنا را.
فرمانده: شنیدم، ولی اعلام شده سه روز کسی توشهر نیا بدکسی که توشهر با دهها نکت دیگه، هما نکت که میخواستورا بزند.

زبردست: بگوش هستم، بگوش هستم، تری هم ندارم... چیه!! آدم مگر یکبار بیشتر میبرد؟

رژیم جمهوری اسلامی چنین فرماندهانی را به کردستان اعزام داشته است. چنانکه رانی که حتی از کشتن کودکان و زنان بی دفاع ابائی ندارند. فرمانده دستور تیراندازی بطرف مردم سی سلاح را صادر میکنند اما این دستور مورد اعتراض زبردست قرار گرفته است. کودکانی که برای یافتن سربانی در شهر سرگردان هستند، زنان بی دفاع و مردم بی خانمانی که برای یافتن پناهاهی و بی در جستجوی عزیزان خود، در سیرون از جا ریدیواری های ویران شده آواره اند. همانهایی هستند که میخواهند بروی ارتش شلیک کنند!!
سوانسی که رژیم با چنین واکنشهایی وحشت بی پایان خود را از رویاروئی با خلق کردستان پیش گذاشته است.

وحشیگری تاهمز "بریدن سر"

ببینید آنها چگونه جنایات خود معترفند.
رژیم جمهوری اسلامی در تبلیغات خود با رها ایمن وحشیگری را به پیشمرگان قهرمان نسبت داده است اما خلق کرد و سوده های آگاه ما می دانند که با وجود این چنین اسانزنده ای، رژیم نمی تواند ما هبت جنایتکاران خود را با تمام تبلیغاتش بیوشتا ندرجا که سیریدن سراسیرتتها از دست ارتش و با سداران رژیم برمی آید و بس!!

ببینم از شهرام:
ببینم: بگویم.
شهرام: آنجا خطراتی شمار: تهدید نمیکنند، ما خودمان هستیم، خودمان برای شما تجهیزات درست می کنیم.
- سرشان را می بریم و می اندازیم رودخانه، بهشان بگو، هر کسی کمر ما افتاد.



تازما شکه بعلت خواستوای یادلانها سونه ها ن آماج گلوله های ارتش است سلاحهایشان را حتی برای یک لحظه نرس زمین نخواهیم گذاشت!

توضیح و توضیح

در پیکار ۵۲، در گزارش مربوط به تقسیم مینهای روستای حاجی آبا دلاهبان آمده بود یک گردان زاندارم به روستایان حمله کردند که "یک گردان" نادرست بوده و صبح آن عده ای زاندارم میباشند.

بقیه از صفحه ۲ آخرین ...
بود آنها تلاش کردند که نظر مجاهدین را نسبت به خود جلب نمایند. سیاستی که از مدتها پیش بخصوص از طرف بنی صدر برای جلوگیری از اتحاد عمل و بوجود آمدن صف واحد مجاهدین و نیروهای انقلابی چپ از یکطرف و برای تضعیف موقعیت دیگر جناح قدرتمند رقیب یعنی حزب جمهوری اسلامی از طرف دیگر دنبال میشود.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

بفیه از صفحه ۸

پیروزی...

جما هیرشوروی سوسیالیستی و نیرومندترین قدرت امپریالیستی یعنی آلمان هیتلری جریان داشت. فاشیسم همگام میگردید تقریباً سراسر اروپا را به اسارت درآورد و به شوروی حمله کرد و در اینجا تمام عریبان بین دونظام یکی امپریالیسم و دیگری سوسیالیسم بوقوع پیوست. ولی نخستین کشور سوسیالیستی، مائین چنگی نجا و زه هیتلری را زیر ضربات کوبنده خود خرد کرد. حزب کمونیست شوروی زه رهبری استالین تحت پرچم لینینسم خلقهای شوروی را متحد ساخته و تا پیروزی کامل بر فاشیسم به پیش رفت. بدون ساختن اتحاد جماهیر سوسیالیستی، بدون صنعتی کردن کشور و کلجوزی نمودن کشاورزی، بدون استحکام بخشیدن به وحدت طبقه کارگر و دهقانان و بدون رهبری حزب کمونیست پیروزی بر فاشیسم ممکن نبود. سوسیالیسم و دیکتاتور توری پرولینا را شکست دهنده اصلی فاشیسم هیتلری بودند. این پیروزی نشان داد که سوسیالیسم و طبقه کارگر شکستناپذیرند و سرمایه داری امپریالیسم و همه طبقات استعمارگر محکوم به نابودی حتمی میباشند. این پیروزی نشان داد که مارکسیسم لینینسم تنها ایدئولوژی علمی و مترقی عصر ما است. رفیق استالین میگوید:

"پیروزی ما پس از هجر جریسهای استیکه نظام اجتماعی شوروی ما پیروز گردید است و نظام اجتماعی شوروی در آن حیات آرسونه آرمایس موفی بیرون آمد است و همسلس سوری حیاتسای خود را بطور تمام و کمال به سوت رسانده است. او بعلوه میگوید:

"جنگ کواچی میگذرد که نظام اجتماعی شوروی یک نظام توده ای حقیقی است که از میان مردم بیرون آمده است و اوستیانی نیرومند آنها برخوردار میماند." (نطق انتخابی در دوره انتخابی استالین - فوریه ۱۹۴۶)

خروش و مردان حزب توده علیه استالین

پیروزی بر فاشیسم پیروزی سوسیالیسم بود. ولی این نکته اساسی را نیز باید اضافه نمود که پیروزی خلقهای و ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی با رهبری رفیق استالین بیبندی ناگسستی دارد. این استالین بود که با محکم دست گرفتن امور حزب و دولت شوروی در شرایط برآمده فاشیسم در اروپا به تحلیل علمی از این پدیده پرداخته و حزب و خلقهای شوروی را از نظر سیاسی تجهیز نمود. این استالین بود که بیباکانه به فرمانده کل قوا در شرایط ارتش سرخ قرار گرفته و نیروهای نظامی را در کلبه بیگانهها و جنگها تا شکست فاشیسم هدایت نمود. استالین الهام دهنده خلقهای جهان در مبارزه ضد فاشیستی و رهاشی بخش بود. تا استالین با کلبه پیروزیهای خلقهای شوروی و دیگر خلقهای جهان علیه فاشیسم عجیب گشته است.

هما نگونه که گفتیم تا استالین با پیروزی خلقهای بر فاشیسم عجیب گردیده است. زیرا که استالین در هدایت جنگ ضد فاشیستی نقش قاطعی داشت و نام او الهام دهنده خلقهای بی بود که برای درهم کوبیدن

اسارت و بردگی فاشیستی مبارزه میکردند. بعلاوه این پیروزی ضربات فیلکی بر امپریالیسم جهانی وارد آورد و حقانیت سوسیالیسم را برجسته تر ساخت. بدین لحاظ سرمایه داری و امپریالیسم جهانی نسبت به استالین سخت کسندی و ورزند. آستان در پی آندندا با حمله به استالین کسیر در عین حال به سوسیالیسم و انقلاب خلقها نیز حمله کردند. شما سندان بورژوازی جهانی به استالین حمله میکنید، زیرا استالین نشان برجسته کشور سوراها و باخمان سوسیالیسم است.

در این باره رویزیونیستها چه میکنند؟ رویزیونیسم جهانی خروشی که دشمنان طبقاتی پرولینا را سوسیالیسم مینماید، در بیست و شش سال گذشته حزب کمونیست شوروی خط منی رویزیونیستی و فاشیسم مارکسیستی - لینینستی خود را راه داده و به حمله مداوم انقلابی علیه استالین دست زدند. آستان بطور کلی یعنی کامل استالین و دسواردهایش (از جمله در جریان جنگ ضد فاشیستی) برداشتند. رویزیونیستها به تحریف تاریخ دست زده و مدعیان کوشیدند تا پیروزی جنگ ضد فاشیستی را دستاورد خود جا بزنند.

در این کتب خروشی مرد مطرح میکند که استالین قبل از شروع جنگ در برابر بریتانیاییها و تجار و کاران نه دشمن از خود لاقیدی نشان داد و همه چیز را نادیده میگرفت و زمانیکه جنگ شروع شد و ما بیوس گردیده و به این فکر افتاد که دیگر همه چیز تمام شده است و باید از رهبری کردن استکلاف ورزید. خروشی میگفت استالین را نمی توان فرمانده نظامی بزرگ بنما آورد، زیرا او "احمق" بیش نبود. در همین کتب که رویزیونیستها ی خاشن به رفیق استالین دشنام می دادند و تاریخ را تحریف می کردند مدعیان خروشی را بدو برجسته می ساختند. آستان مزورانه ادعا می نمودند که کوبا خروشی در زمان جنگ، همیشه در آن نقطه ای بود که بیش از همه جا مشکلات وجود داشت و در موارد زیاد "تصمیمات خردمندانه تری" از تصمیمات فرماندهی کل پیشینها دیکتاتور کوبا "خروشی نه تنها روح مردم استالینکرا د بود، بلکه بسیاری از پیکارهای مهم و حاسس را رهبری میکرد است. رویزیونیستها با دشنام به استالین، در پی آن برآمدند تا خروشی را فرمانده کل جنگ میهنی و "قهرمان" جنگ ضد فاشیستی قلمداد نمایند. امری که تحریف کامل تاریخ است.

رویزیونیستها ی مرتد حزب توده نیز در این مورد دست به تحریف می زنند. آستان در ارگان ضد انقلابی خود "مردم"، در تاریخ ۵۹/۲/۱۸ مقاله ای درباریه جنگ دوم پیروزی بر فاشیسم آورده اند. در سر تا پای این مقاله حتی یکبار نیز نامی از رفیق استالین بر میان نیامده است. رویزیونیستها ی حزب توده خاشن در باره نقش برجسته استالین در جنگ ضد فاشیستی توطئه سکوت می کنند. آستان از نام استالین و حشند دارند و در عین حال با توطئه سکوت خود دشمنی آشکار خویش را با استالین، سوسیالیسم و طبقه کارگر بیان می کنند. این امر در منطق طبقاتی رویزیونیستهاست که بیبسته خیانت ورزند.



اعتراض...

بستن و مهور کردن جابجانه ها یعنی از بین بردن امکان جابج و نشتر توسط نهاد های مسئول باعث نگرانی شدید ترین گشته است. بطوریکه همگام با خواستار رفع اینگونه تضییقات مینماید.

با توجه به مراجع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد نام من شغلی و آزادی بیان و سیر اندیشه که از اساسی ترین شرکات انقلاب ملت نپیمان ایران مینماید، ما از آن مقامها خواستار رد حالت موقر در این امور که مربوط به سرنوشت کل انقلاب است، می باشیم. خواه ما روس ندن مواردیها همکاران دسکر برده که جنسی بدون محاکمه کلبه گسا بها نشان ضبط شده است و ستن فرونگا ههای آنها موجب نگرانی کارگران و عدم انجام تعهدات متعدد است نسبت به سایر همکاران و اصناف مربوط گردیده است و هم چنین بر تریاری زمینه ای است که در آن نیروی طباع کتاب امکان پذیر شد است.



بفیه از صفحه ۵

هجوم...

بر سیرده اش "طلی سکوری که فیلا سرکوب زحمتگان را توسط زاندار می تا هنها هی تحریک کرده اند و می دانند که در دولت سرمایه داران همیشه قدرت نظامی دولت از ثروت آنها و سرمایه داران پشتیبانی میکند، این با ریزیا تکبیر نیروی مسلح دولت، سعی در سرکوب مبارزات سرخ زحمتگان این روسا دارند

با سداران ارتجاع ... در (تاریخ) ۵۹/۲/۲۳ با زهم (ه) به بهانه تجدید کردن مشروب به ده هجومی - برند و بهانه یکی از اهالی روستا نام "عوض" میریزند. با سداران نیرتان به سنگ میخورند و مشروب پیدا نمی کنند. لیکن برای نیرتادن زحمتگان ن مبارز روستا، فردنا میرده را به با دنگ می گیرند. اهالی روستا به مدای قریبا دعوی از خانه ها بیرون ریخته و به عمل وحشیانه سداران اعتراض میکنند. لیکن با سداران توحی نکرده و عوض را بداخل یک ماشین آهوی بیابانی شماره موقت سیزرتک "می اندازند و چون با اعتراضی شدید مردم رو بر می شوند، با وقاحت و بیشرمی با اسلحه های آمریکائی خود بیرونی شده های انبوه مردم آتش می کنا بند و جها رتفر را بنا با قمر با برای می ۲۵ ساله خوش نشین، بها ۲۳ ساله خوش نشین، محمد ۱۸ ساله و نوروز پسر سلیمان ۱۴ ساله جوان زخمی میکنند. این با سداران انقلاب! ... همگام بر بدن محمد به سیمارستان ... با هدیک مشورت میکنند تا او را بکشند. لیکن به علت مخالفت یکی از با سداران و معافیت محمد موفق به اجرای این شیت کشیف و جنون آمیز خود نمی شوند. (هم اکنون) محمد برای مداوا به تبریز انتقال یافته است.

(ه) - سها بها سداران سال گذشته نیز به بهانه پیدا کردن مشروب به این روستا هجوم آورده و با زور اسلحه شما خانه ها را گشته است.

بقیه از صفحه ۱۶

رفیق ...

درونی سازمان محاهدین نیز از جمله اولسن رفقا طی بود که بدلولوی طبعه کارگزار کمیسر - لستینیم را بدیدراند. رفیق ، پس بعنوان یکی از مسئولین خارج ارتکوبریختن منصف سازمان محاهدین منصف خارج درستانه بدونا حدیما فعل از تمام مهین ماه به انجام وظایف سازمانی این در آنجا همت کماشت و از نزدیک با انقلاب فلسطین و انقلاب عمان آشنا گردید. بدنی قبل از تمام او همراهم برخی دیگر از رفقا بحثیا بهمه باژان با رکت و مبارزه خود را سر علیه رژیم صهیونیستی ادا مهاد. رفیق در خریسان نیامشکو همدینیم ماهمهرا با انبوه توده های سربوئی رژیم شاه و در هم شکستن ارتش مزدوران در قیام شرکت کرد و انکا فقط چند ماه بعد از قیام توسط رژیم جمهوری اسلامی به زندان فرستاده شد و این در حالی بود که با او کتبا و حتی برخی از سرمداران رژیم شاه یکی پس از دیگری آزاد شدند. زوئی که ادا میشد و اکنون با ایدسا روسیگری یافته اند. با او کتبا و سرمداران رژیم شاه نیز آزاد شدند. ایدسا در زندان گرفتار می شود و از اموالشان رفع محاربه میشود. آنها روز بروز شور و خروش می بیند و در درازگانی حسابی ملکیتی نفیوت می بخشند و با بهر تکرار گسان رژیم جمهوری اسلامی به توطئه جیبی و سرکوب نیروهای انقلابی اقدام می ورزند و آنها البته به جوخته غیرمنطرحه غیرطبیعی نیست. رژیم که کمر بسته با زاری نظام سرمایه داری وابسته ایران بسته است ، طبیعتا مدافع سرمایه داران ، سران مرتجع ارتش ، فئودالها ، ساواکتها و عدالتیون است نه کارگران و دهقانان زحمتکش ، پرسنل انقلابی ارتش و انقلابیون حسکی نابذیری که در روبا روشنی و مقابلیه با امپریالیسم ورژیم شاه آید شده اند. این است که رژیم جمهوری اسلامی سر علیه امپریالیسم فریاد میزند ولی سرکوب و کتبا نیروهای انقلابی بویژه انقلابیون کمونیست ، ولایت های تحت ستم در دنا نگاه و کردستان می بردارد.

ب اوضاع برای ما به خواهد ماند ، نوهیم بوده ، ساکا روکش حسکی نابذیر نیروهای انقلابی را بکنند در رژیم جمهوری اسلامی فرو خواهد ریخت و دیگر حمتکشان ایران اجازه نخواهند داد در زندگان و انقلابیون کمونیست ، همچون رفیق محمد سردان در

جنبش ...

اشاره می کنیم که به اشکال مختلف در سراسر کرکسای نیا تا ن جنس رفقا را می دانند اما در وقت نموده اند. در واقع بخشی از مبارزه طبقاتی سازمان در مبارزه آنها علیه نژادپرستی تحم و نسلورمنی است. در بین سباهیستان کسانی مانند دکتر لوتوسر کینک بودند که اصلاح طلبانه و از طریق منطق کششی میخواست " حقوق مساوی " را در " قانون برای سباهان تا من نماند در صورتیکه این تبعیض نژادی جدا از ماهیت سرمایه داری آمریکا و اساس جامعه طبقاتی نیست. مالکولم یکس ، یکی از رهبران مسلمانان سباهیست نیز گویند اما استفاده از شعار های رفرمیستی " مساوات حویانه " اسلامی بسیاری سباهان " حقوق مساوی " تا من نماند که و نیز زمانند لوتوسر کینک بدست نشوایست های سفید پوست سرور شد. امروز سباهان آمریکا علیه تبعیض نژادی مبارزه میکنند. بعبارت دیگر این جلوه ای از مبارزه طبقاتی تا من میباشد و تلاش رهبران رژیم جمهوری اسلامی ایران که میخواهند مبارزه سباهان را در سراسر سباهان مسلمان خلاصه کنند ، حقیقت را تحریف میکنند. آری ، بسیاری از سباهیستان آمریکا تحت تاثیر شعارهای " مساوات حویانه " اسلامی حسود و مسلمانان میدانند ولی این بدان معنی نیست که به راه حل مسئله تبعیض نژادی در مسلمانان آنگاهت آنهاست. مسلمانان از نوع آثای عالیه و محمد رفیق علی مسلمانان سباهیست. کدیک رفرمیست در خدمت حقوق بشر کار کرده اما در خدمت " سباهی " نماند و همواره در خدمت محمد علی کلی چگونه بعنوان نماینده آثای کار سباهی رفت تا آفریقا آنها را ارتک در سباهی المیک باز دارد!

آثای پهنی سنگ حجاب از " سباهان مسلمان " را سینه میزند ولی بسیاری از کسانی که او رژیم جمهوری اسلامی را می شناسد معنای حمایت ایشان را از سباهان مسلمان با حمایت آنها از " خلق مسلمان " کرد " معا به خواهد کرد!

محبان استعمارگران از فعالیت اجتماعی - سیاسی و تلاش مبارزه در راه تعالی و ترقی زندگی زحمت کشان محروم بمانند. یا مید آنروز.

(۱) - دستگیری رفیق بردانیا در همان زمان ۵۸/۱۰/۲۴ توسط با ارتش اتحادیه مبارزه در راه آزادی طبعه کارگزار اعلام کردند.

با ری در مقابلیه با اقدامات اصلاح طلبانه برخی از رهبران سباهیست ، چیزی که شاید بدین توانا " سباهی لیسم " تغییر کرد با حالتی تفرقه بیندازد ، که جنبش " ندرت سباهی " و " پلنگان سباهی " لقب گرفت .

سباهیستان ستمدیده آمریکا برای زنده نگه داشتن سربوئیستان و جلب انظار و حمایت جهان نسان بطرن مختلف تلاش کرده اند. کلیه این تلاشها بدلیل آنکه بوسیله نیروهای انقلابی سباهی سر شده و گاه به شکل رفرمیستی با آنها نراقات آنها ریستی همرا بوده است و نیروی عظیم سباهان که عموما زحمتکش اند علیه دشمنان واقعی شان که همانا سرمایه داران هستند آگاه و بیخ نمانده این مبارزات تاکنون به نتیجه نرسیده است .

در چنین حالتی است که کار رفیق در وقت می یابد فریادی خود را طرفدار حقوق بشر و حقوق سباهان سباهیست مدعیان خود فروخته سباهان در برابر راکت سباهیست است بعنوان نمونه ای از " احترامی " که به سباهان میکند و به ملل متحد میفرستد و را نماینده دائمی آمریکا در آنجا معرفی میکند .

همراهی که تری در مقابل سباهیستان علیه قوانین ظالمانه تبعیض نژادی وقوع می یابند ، نیروهای سرکوب سربوئی از آمریکا به وحشیانه ترین شکلی به قتل و تبع و کتبا سباهان می بردارند . چند سال پیش که محله " هارلم " نیویورک سربه خورش برداشت طی چند ساعت ۱۱ هزار پلیس و جنرال ارتش آمریکا آن منطقه را اشغال کردند .

و در نورش های اخیر شهر می ایالت کالیفرنیا جها رهزای رفقا را در کار رد ملی آمریکا سرعت در منطقه مستقر شدند. تورشهای میامی تا روز جها رتبه آخر اردیبهشت ۱۹ کشته و ۲۷۱ زخمی بجای گذاشت. مقررات منع عبور و مرور سباهی به مرحله اجرا گذارده شده و

در بین سباهیستان کسانی مانند دکتر لوتوسر کینک بودند که اصلاح طلبانه و از طریق منطق کششی میخواست " حقوق مساوی " را در " قانون برای سباهان تا من نماند در صورتیکه این تبعیض نژادی جدا از ماهیت سرمایه داری آمریکا و اساس جامعه طبقاتی نیست .

امروز سباهان آمریکا علیه تبعیض نژادی مبارزه می کنند ، بعبارت دیگر این جلوه ای از مبارزه طبقاتی شان میباشد و تلاش رهبران رژیم جمهوری اسلامی ایران که میخواهند مبارزه سباهان را در سراسر سباهان مسلمان خلاصه کنند حقیقت را تحریف می کند .

در مقابل بسیاری از موسسات وابسته سباهی در دنا به آتش کشیده شده که میزان خسارات مالی را از این رهگذر به ۱۰۰ میلیون دلار تخمین زده اند .

جنبش سباهان موجی است دامنه دار و عمیق شونده که با او جگیری و تشدید مبارزه طبقاتی در جامعه ایالات متحده و سباهی که بر بیکر امپریالیسم در سطح جهان وارد می آید ارتباط ناگسستی دارد جنبش سباهان همدوش با مبارزه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان امپریالیسم از درون تهدید به تلافی میکند. این مبارزه همرا با مبارزات گسترش یابنده و فرا بنده ضد امپریالیستی خلقهای جهان بشمار خواهد رسید. حمایت از مبارزه سباهان و طبقه همه نیروهای انقلابی و بویژه کمونیست است .



دیگر سربوئی های امپریالیسم نیز نمی تواند آنش مبارزات سباهان آمریکا را خاموش کند .

بازهم دروغ بازهم اقترا!

چرا روزنامه جمهوری اسلامی می گوشت
چهره رفقای انقلابی مارالوت نماید ؟

بازهم بحث بر سر یکی دیگر از دروغهای سترما نه
وردیلانه روزنامه جمهوری اسلامی است ، روزنامه ای
که چرخ آن با اسفاده از پولهای کلان آسان کسب
زروی و "جوها" تجار و سرمایه داران و زمینداران
یعنی در واقع عری حسین و خون زخمینگان ، منحرف ،
روربا مه ای که در عمر گونا خود در راه وطن گری و
سپه کاری و باران بازی ساسی ، کوی سفت از
مطبوعات برسان خیری رمان با هزار سوخته است و سوانح
سیرات با ماب و دروغهایی که با تلمی و بسند گمان
(محقق !) این روزنامه علیه انقلابیون و غلبه
زخمینگان رقم زده می شود ، در زمان رژیم شاه کمتر
دیده می شد ! و از این لحاظ ما با رژیم شاه آسان
سریک می گوئیم! سخن سیرات با مومنا نه و سرتسا
یا دروغی است که این روزنامه در ۲۲ اردیبهشت ماه
و در راه مطبوعات محاهدین و محاهدین و محاهدین از
انقلابیون بیگانه یعنی رفیق علیزاده استانی عشق
سازمان مازده است (۱) ، اینها می که حتی رژیم شاه این
رفیق نیست نمیداد! اینها می که سرتسا توطئه گران
مربح حزب جمهوری اسلامی را رسوا می کرد ، به این
دلیل شاه که در زمان نهادت محمدجانی رفیق سیاسی
در ایران نبود و در خارج کشور مسئولیت داشت و
سعد سرتسا این رفیق یکی از پیرو ترس رفقای بود
که در میان زره بدقولی و یک برای طرفداران اخراجی
کننده و کسار گذاشتن رهبری تملی سخن منتسب
سهم براتی داشت!

اما برای ما قابل فهم است که چرا این زاهدان
ریا شی و اس " راستوسن" های وطنی حسن نیست -
ها شی به ما سرسند ، چرا که ما کمونیستهای منافع این
آنها را با خطرات خدا ایم! ما انانی ما هیست
طنی و علیزاده ای انسان بوده با راه سوم
نست به آنها در می آوریم ، مالیت اموال و ثروت
امثال بهینی و رفیقانی را رومی کنیم ، و سنان
می دهیم که چگونه آن در زمان شاه خرید و فروش
زیستهای موفوق است و موصاف شهرک البرز و لاریه
(در فم) و انجا در کشتی های دیگر مسئول بودند و امروز
بدعی ! بطلان گشته اند! ! و مهمتر آن ما منافع کل
طنیاب و انبار استوار رکزی را که اینها نمایندگی
آنها را بر نهاده اند به خطرات خدا ایم! چرا که
خواست ما خواست زخمینگان و خواست نوده های
سندیده است! آری ، تصور نفوذی از آمانهای
ناستنی " بهر کسی به انداره کارش " در بین زحمت -
گنان ، بیست این نمایندگان سرمایه داران و زمین
داران و سرتسا را به لیره در می آورد! ...
ساین توصیف آنها انسان در مقابل ما ما کست
می نیستند؟ هرگز! و اما ما و ما در مقابل ما چه
دارند که بگویند؟ بگویند که چگونه تمام عداقت و
فداکاری در راه آمان زخمینگان ، چه در زمان شاه
چه در زمان رژیم جمهوری اسلامی بیگار کرده ایم ؟
بگویند که چگونه هنگامیکه ده ها س از هم زمان نمایان

جنبش سیاهان آمریکا: انفجار در قلب امپریالیسم

دنیا در هفته گذشته یکبار دیگر با وحکیری جنس
حق طلبانه سیاه هیوسان آمریکا مواجه شد ، فرساید
انسانها شی که به " حرم" سها هیوسان بودن در معرض
تعمیر و ستم و جنسها به فراردا رندیکبار دیگر در فضای
چپان طنس افکند و حمانت بدریغ خطنهای ستمدیده
چپان و نیروهای انقلابی را سوی خود جلب نمود ،
سها سها آمریکا با لسان دراز است که علیه ستم
تعمیر سزادی که با دکار در دوران برده داری است
می رزمند ، اما علیرغم تحولاتی که در مسائل سولیدی
حاشیه ایالات متحد حاصل شده است اما هیست رنجانی
وسیری با پذیرش روروی (که هیچ اطلی جز اطل بود
نخستین بودن را به رسمت نمی سازد) در ساری از

ایالات آمریکا بر " قانونی بودن " تعمیر سزادی و
عدم مساوات بین سیاه و سفید با قناری می شود ، واقعیت
است که سها بودی تعمیر سزادی سها بودی جامعه
طنیاتی بستگی دارد ، در تاریخ حدمه سها آ آمریکا
سها سها ابتدای سنوان نیروی کار را بکان مسورد
استنما رندید و وحشها به فراری می گرفتند ، بعدها با
رندید و اعلیم و بعد سها به داری و سرمایه داری
انحصاری سندیح استنما سها سها بدرجات و اسکا ل
دیگری مطرح شد ، شرح سنها ، حقنرها ، سیره کسپها
کسها را شیکه علیه سها سها اعمال شده در این سطور
نمی کشد ، در اینجا ما به سها رزات سی آمان سها سها
بقیه در صفحه ۱۵

گرامی باد یاد مجاهدین شهید

هست سال از یاد سنج محاهدینمان خلق
مستکدر ، همزمان با سجدی که در یکی از سها سها سوری و
دوره های تاریخ کشورمان در مقابل دیگنا سوری و
امیرالیسم دنیا را استند و سر علیه رژیم شاه سها سها
خاستن اعلان جنگ دادند محاهدانی که زندان و شکنجه و سها سها
را بر سنگ سکوت و مسائل در سها سها سها سها سها سها
ترجیح دادند سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها
ما هیست خاستنکار سها سها سها سها سها سها سها سها سها
دهند ، محاهدانی که سها سها سها سها سها سها سها سها سها
را در راه تحقق اهدافمان بخان خریدند سها سها سها
کننده ما سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها
دیروز و " انقلابیون" و دمخا هدان امروز سها سها سها
محاهدانی که سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها
انقلاب ایران را آساری کردند ، درختی که علیه رژیم
سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها
سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها
با کلبه سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها
محمدجانی سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها
محمود عشق را در دور سها سها سها سها سها سها سها سها
داریم و سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها
برای انقلابیون می نمایان میدانیم .

گرامی باد یاد همه شهیدان بخون خفته خلق!

را رژیم خلدانه به سها سها سها سها سها سها سها سها سها
شکنجه کا سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها
میربخت امثال بهینی سها سها سها سها سها سها سها سها سها
فرورده و برای رژیم شاه کنتا سها سها سها سها سها سها
نوشتند! " بگویند در حالیکه امثال سیاسی ها سها سها
انقلابی خود را با اعدام امثال سرنسب ظهری حلالده
نمایان می که استند ، چگونه " انقلابیون" بعد از انقلاب
حتی از گرفتار و حمل یک غلامیه سها سها سها سها سها سها
خودداری می کردند! " بگویند که ...؟! و او سها سها سها
چه می توان سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها
حفظ منافع خود ، سها سها سها سها سها سها سها سها سها
رالوت نمایان سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها
بگویند؟ !

رفیق محمد یزدانیان هنوز در اسارت بسر میبرد

حدود ۶ ماه است که رفیق محمد یزدانیان به " حرم"
بخان غلامیه آقا حکرا سها سها سها سها سها سها سها سها
سها سها رژیم جمهوری اسلامی افتاده است (۱) رفیق
در این مدت از حداقل آزادیهای که حق یک زندانی
است برخوردار بوده در حالیکه زخمینگان شاه مزدوران
سها سها رژیم گذشته بهترین سها سها سها سها سها سها
رفیق محمد یزدانیان از جمله فرزندانی سها سها سها
خلق است که سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها
مردم سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها
آمان والای خلق نمود ، او که می توانست با ادا سها
تحصل در دانشگاه صنعتی در رشته مهندسی شیمی
زمنه یک زندگی مرفه برای خود فراهم کند ، سها سها
است که تلمی برای مردم سها سها سها سها سها سها سها
بدلیل اینکه می توانست سها سها سها سها سها سها سها
- های ملی مردم ایران بدست امیرالیسم سها سها سها
حنا سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها
است که سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها
کبونی سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها
مناره ، راه حمانت طاقت فرما ، راه سها سها سها سها
بالندگی ، راه سها سها سها سها سها سها سها سها سها
فداکاری و راه آزادی را انتخاب کرد و در سال ۴۸ به
سازمان محاهدین خلق ایران پیوست ، رفیق در آن
سالهای حقان و دیگنا سوری سها سها سها سها سها سها
خود در سخت ترین شرایط سها سها سها سها سها سها سها
برداشت و از زمین روهم سها سها سها سها سها سها سها
بیکرد بدین سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها
ورندگی محفی را برگزید ، رفیق که مبارزی سها سها
استعدا دویوست سها سها سها سها سها سها سها سها سها
یکی پس از دیگری میمورد ، و در جریان سها سها سها
بقیه در صفحه ۱۵

(۱) - البته این دروغ در مقاله تلمی سها سها سها سها سها سها
است ، ولی از آنجا که این روزنامه حاضر نیست حتی به سها سها
فوا سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها
عباد سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها سها
گویان اطلی ، مسئولین روزنامه هستند .

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست